

یادداشت ماه

در شمارهٔ اکتبر سال گذشته در مقاله‌ای با عنوان "تهدیدی فزاینده" نوشتیم که جامعهٔ بهائی ایران امروز با بحرانی‌ترین دوره‌های تاریخ خود روبروست. دوره‌ای است که از قریب نیم قرن قبل با جبهه‌بندی و آمادگی منظم طبقهٔ روحانیون اسلامی علیه امر آغاز شد، با انقلاب اسلامی قوت و نفوذ گرفت و در سی سال اخیر هر روز به اوج تازه‌ای رسیده است.

وقایعی که اینک در ایران رخ می‌دهد حکایت از برنامهٔ جدید مخالفان دارد که خودشان به آن "مقابلهٔ فیزیکی" نام نهاده‌اند. اینان از کشتن بهائیان، مصادرهٔ اموالشان، راندنشان از شغل و تحصیل و ده‌ها محرومیت دیگر طرفی برنستند. ردیه‌ها و مقالاتی که در روزنامه‌ها و کتاب‌ها، یا سایت‌های اینترنتی برای مبارزه با بهائیت نگاشتند کارساز نشد. لذا اینک به "مقابلهٔ فیزیکی" رو آورده‌اند. معنای مبارزهٔ فیزیکی ایجاد رعب و ترس در دل بهائیان، ویران ساختن خانه و کاشانهٔ ایشان، پرتاب کوکتل مولوتف در منازلشان برای صدمهٔ بدنی یا کشتن افراد خانه، ایجاد مزاحمت برای اطفالشان در کوچه و خیابان، و امثال این اقدامات است. این نوع مقابله "بطور آزمایشی" در فارس و اصفهان آغاز شده تا اگر عکس‌العملی مقابل خود ندید در سراسر کشور ادامه یابد.

دنباله در صفحهٔ ۹

فهرست مندرجات

از آثار مقدسه / ۳	۱۳-۶ آوریل یا جشن یاسور / ۳۲
بزرگترین واقعهٔ قرن نوزدهم / ۵	ناشناخته‌ای به نام بودا / ۳۴
دنبالهٔ یادداشت ماه / ۹	انجمن شور روحانی بین‌المللی (۱) / ۴۱
شمس حقیقت از افق وجود اشراق نمود / ۱۱	عاشقان را سایهٔ لطف بهاء برسرفتاد / ۴۷
بر جامعهٔ بهائی ایران چه می‌گذرد؟ / ۱۸	معرفی کتاب / ۴۸
آرزوی سحرگاه (شعر) / ۲۳	بانویی برگزیده، ظاهره راسخ (رادپور) / ۵۱
آیا پایان جهان نزدیک است؟ / ۲۴	از گلخن فانی به گلشن باقی / ۵۵
قرآن دربارهٔ زن چه می‌گوید؟ / ۲۸	نامه‌های خوانندگان / ۵۹

روی جلد: دو بیت از مثنوی جمال مبارک اثر استاد هنرمند جناب حسام ثابتیان.

از گل رویش دی آمد چون بهار / وز لب لعلش شب آمد چون نهار
ای نگار از روی تو آمد بهار / زین بهار آمد حقایق بی شمار

بمناسبت ایام فرخندهٔ رمضان
گل زوی یار در بازار نمودار - از الواح جمال قدس
نقل از یاران پارسی: ص ۴۰۳، ۴۰۵

ای بندگان اگر درد دست دارید درمان پدیدار. اگر دارای دیدهٔ بینندهٔ گل روی یار
در بازار نمودار. آتش دانائی برهنه زدید و از نادان بگریزید اینست گفتار پروردگار جهان.

ای بندگان تن بی روان مرده است و دل بی یاد نردان زمرده پس باید دست بینید
و از دشمن بگریزید. دشمن شما چیزهای شماست که به خواستش خود آن را یا تقدیر نگاه داشته آید
جان را به آن آلوده آید. جان برای یاد جانان است آن را پاکینه دارید. زبان برای گواهی
یردان است آن را به یاد گمراهان میس لائید.

ای بندگان به راستی میگویم راستگو کسی است که راه راست را دیده و آن راه یکی است و
خداوند آن را پس ندیده و آماده نموده و این راه در میان راهها مانند آفتاب جهانتاب است
در میان ستارگان هر کس به این راه نرسیده آگاه نه و بی راه بوده اینست سخن یکتا خداوندی
ای بندگان نهترین دارای روان است و نه هر کالس دارای جان. امروز دارای روان
تنی است که به جان آهنگ کوی جانان نموده انجام هر آغاز امروز است خود را کور مکنید
دوست یکتا نزدیک است خود را دور نمانید.

ای بندگان، تن های شما مانند نهالهای باغستان است و از بی آبی نزدیک به خشکی است
پس به آب آسمانی که از ابر بخش یردانی روان است تازه نمانید. گفتار را اگر در یارید هر که گفتار
را پذیرفت مرد کردار اوست و گرنه مردار به از اوست.

ای بندگان، سخن دوست شیرین است کو کسی که بیاید. کجاست گوشه که بشنود.
نیکی است کسی که امروز با دوست پیوند دوازدهم چه جزاوست در ریش بگذرد و چشم پوشد
نا جهان تازه بینند و به مینوی پاینده راه یابد. پروردگار جهان میفرماید
ای بندگان از خواهشهای خود بگذرید و آنچه من خواستم ام آن را بخواهید.
راه بی راهه نماند و گفتار هر راه نماند را نپذیرید. بسیاری از راه نمایان گمراهانند و راه راست
را نیاخته اند. راهها کسی است که از بند روزگار آزاد است و هیچ چیز او را از گفتار راست باز ندارد.
ای بندگان راستی پیش کنید از بیچارگان رو بر مگردانید و نزد بزرگان مرایا نمانید و
مترسید.

ای بندگان. از کردار بد پاک باشید و به گفتار پروردگار رفتار کنید. این است سخن
خداوند بیکت.

ای بنده یزدان شبی از دریای بی بخش یزدان فرستایم اگر بنوشند و نمرند ای از
تو از غمی خوش جانان آوردیم اگر بگوش جان بشنوند. به پرهای شادمانی در هوای محبت
یزدانی پرواز کن مردمان را نمرده انگار به زندگان بیامیست هر یک از مردمان جهان که
بوی خوش جانان را در این با باد و نیافت از مردگان محسوب. بی نیازی به آواز نلبست میفرماید
جهان خوشی آمده ننگین مباشید. راز نمان پدیدار شده اند و ننگین مشوید اگر به پیروزی این روز
پی بری از جهان و آنچه در دست بگذری و به کوی یزدان شتابی.

بزرگ‌ترین واقعه قرن نوزدهم

«انگلیس قرون و اعصار متوالی است که برای بریتانیا و جهان باقی مانده است و در هر روز روزی که در آن می‌گذرد»

«در قرن نوزدهم، جهان را در دو استانی استعدادهایی برای تعالیم روحانی نوزدهم»

مکالمه ج ۲، ص ۳۱

پژوهشگر

عظیم خون انگلیسی، فرانسوی، هلندی و نظائر آنها، انقلاب سوم گسترش فرهنگ و تمدن اروپاییان در سراسر دنیا و کشف بخشی از کره ارض که هنوز ناشناخته بود و فتح دو قطب شمالی و جنوب بوده است. انقلاب چهارم به دست‌گیری یا حبسیت مربوط می‌شود که تا کنون بزرگ و میزور ممالک غنی برای برادر در تاریخ بشری جمعیت عالم به استثنای یک سلسله از کشورهای هند و از این فراتر رفت، از این پس تا زمان ظهور علم و صنعت، مهاجرت جهانی مهم بین‌المللی آغاز شد، و طبعاً داد و ستد بین‌المللی در هر یک از این کشورها به صورت بی‌سابقه‌ای در گرفتار، انقلابی بحکم طبعاً به اقتصاد و مرکزیت اقتصادی جهان به تدریج در مغرب زمین متمرکز می‌شود و اهمیت طبقات بورژوا و سرمایه‌دار و در عین حال بحران‌ها و شست و شوی‌های کاپیتالیسم. انقلاب ششم را می‌توان علم را به اعتقاد بی‌حد و حصر به علم و بروز

نمی‌دانم مورخان آینده کدام یک از حوادث قرن نوزدهم را مهم‌ترین حادثه آن قرن به حساب خواهند آورد چون قرن نوزدهم قریب است لبریز از حوادث بزرگ و وقایع شگرف که بی‌گمان تأثیر آنها در قرون بعدی نیز ادامه یافته است. در قرن نوزدهم تأثیر دو انقلاب عظیم قرن بیستم را که یکی انقلاب اجتماعی فرانسه باشد و دیگری انقلاب صنعتی انگلستان به روشنی می‌توان دید. ولی قرن نوزدهم خود همراه با انقلابات متعدد است که از جمله مهم‌ترین شروع عصر بین‌المللی بوده یعنی بین‌المللی شدن بسیاری از امور و پیوندهای اولین سازمان‌های بین‌المللی در عین آن که قرن نوزدهم در شکل‌دهی به دولت‌ها و ملت‌ها فلسفه جدیدی را در پی داشت که بر پایه حقوق بشر و آزادی است. این فلسفه در تضاد با مفاهیم سنتی است که بر پایه استبداد و ستم استوار بود. این مفاهیم سنتی در تضاد با مفاهیم جدید است که بر پایه حقوق بشر و آزادی استوار است. این مفاهیم جدید در تضاد با مفاهیم سنتی است که بر پایه استبداد و ستم استوار بود. این مفاهیم جدید در تضاد با مفاهیم سنتی است که بر پایه استبداد و ستم استوار بود.

شک و تردید در اعتقادات دینی و قوت گرفتن مادیّت در مفهوم نظری کلمه دانست.

در برابر اعتلاء اقتصاد سرمایه‌داری و ارتقاء صنعت نمی‌توان از انقلاب طبقات کارگری و نهضت‌های سوسیالیست و مارکسیسم و مبارزه جنبش اخیر با سرمایه‌داران غافل شد که آن را به عنوان انقلاب هفتم یاد می‌کنیم که در قرن بعد موجب تصرف قدرت سیاسی در بعضی از جوامع از جانب نمایندگان طبقات کارگر شد.

پایه بسیاری از اختراعات مهمّ که در قرن بیستم به ثمر رسید در همان قرن نوزدهم نهاده شده بود و این نوع دگرگونی از سایر انقلابات اهمّیت کمتر ندارد. از اختراعات و پیشرفت‌های علمی مهمّ این قرن بوده است: ساخت لکوموتیو بخاری برای ترن، استفاده از نیروی برق، شروع نظریه‌پردازی در زمینه فیزیک اتمی، تکمیل ابزارهای اندازه‌گیری بسیار دقیق، آغاز تولید گاز مصرفی شهرها به مقیاس صنعتی، درست کردن مورفین و استفاده از آن در معالجات، بسط علم شیمی، اختراع جعبه‌های آهنی "کنسرو"، ترقی در محاسبه احتمالات، پیشرفت در ریاضیات خالص و عملی (کاربرد)، درست کردن آب اکسیژن دیده برای ضد عفونی کردن، عبور اوّل کشتی بخاری امریکا از اقیانوس اطلس (طی ۲۷ روز)، کشف کنین که برای معالجه مالاریا مفید است، خواندن خطوط هیروگلیف مصری، تولید صنعتی صابون، اختراع ترمودینامیک، شروع ساختمان اوّلین پل معلق در دتريت امریکا، ولادت جنین‌شناسی مدرن، دریافت این که کره ارض عمری فزون از چند صد میلیون سال دارد (برای

اوّل بار این آگاهی حاصل شد)، اختراع چرخ خیاطی، ساخت اوّل ماشین دروکننده در امریکا، رسیدن بیولوژی (زیست‌شناسی) به شناخت اجزاء "بی‌نهایت کوچک"، رواج راه آهن برای مقاصد تجاری و مسافرتی، ساخت اوّل ماشین محاسبه، ایجاد اوّل کارخانه ساخت کبریت با فسفور، آشنایی بیشتری با اعصار ماقبل تاریخ، تکمیل سلاح رولور، تهیه اوّلین فیلم‌های نگاتیف عکسبرداری، پدید آمدن علم آمار، تهیه اوّل نقشه کره ماه (قسمت قابل رؤیت از دور)، ایجاد تلگراف برقی، پیدایی خط و زبان مُرس برای تلگراف، کاربرد کاتوچوک، اختراع اوّلین دوچرخه، ایجاد اوّلین تمبرپست در انگلستان، شروع صنعت کودهای شیمیایی، ساخت ابزار اندازه‌گیری حرکات ستارگان، عکسبرداری از پدیده‌های نجومی، ساخت بالن‌های قابل هدایت که پیشقدم طیارات هستند، برقراری اوّلین خط انتقال پیام‌های تلگرافی در فاصله نیویورک و بالتیمور، کاربرد بیهوشی در جراحی از سال ۱۸۴۲ به بعد، پدید آمدن بیولوژی سلولی، انقلاب در ساخت کودها، اختراع بتون آرمه و سیر به سوی معماری جدید، کشف هورمون‌ها، برداشتن قدم‌های محکم در راه عمومی شدن دوربین عکسبرداری، اثبات علمی گردش کره زمین، اثبات تئوری موجی نور، بوجود آمدن علم ترموشیمی، انقلاب بسمر در صنعت فولادسازی، استفاده صنعتی از آلومینیوم، تولید فراوان ماشین‌های خیاطی، ساخت رنگ‌های مصنوعی، کشف انسان نئاندرتال، ولادت علم روانشناسی (۱۸۵۸-۶۰)، نصب اوّلین آسانسور

(بالارو) در امریکا، آغاز استفاده از تکنیک‌های نوین حفر چاه و استخراج نفت (۱۸۵۹)، ساختمان اولین تلکسوپ عظیم برای بررسی ستارگان (۱۸۶۲)، ساخت صنعتی کربنات دوسود، بنیادگذاری روش پاستوریزه کردن چیزها توسط لوئی پاستور، اختراع مواد پلاستیک، برقراری اولین ارتباط تلگرافی از فوق اقیانوس‌ها (حدود ۱۸۶۶)، اختراع یا اکتشاف دینامیت، کشف انسان باستانی homo sapiens، ساخت باتری، شروع دستیابی انسان به الکتریسته (برق) با اختراع گرام بلژیکی، آغاز بررسی سیستم عصبی انسان، ره‌گشایی بر شیمی مولکولی، توجه به الکترون در

فیزیک، اختراع تلفن توسط گراهام بل (عکس روبرو) و بزودی برقراری

اولین خط تلفنی (۱۸۷۵ و

۱۸۷۷)، شروع کاربرد یخچال

در منزل و نیز کشتی‌های

دارای سردخانه، اختراع

فونوگرافی یا ثبت اصوات (۱۸۷۷)، استفاده از

پیل برقی در تلفن، ساخت لامپ‌های برقی

جدید، کشف اصل تلقیح بر ضد بیماری‌ها،

احداث اولین سانترال (پایگاه مرکزی) برق

(۱۸۸۱) در انگلستان، کشف باسیل تیفوئید

(حصبه)، کشف باکتری سل و راه علاج آن،

ساخت پارچه‌های مصنوعی (سنتتیک) از

۱۸۸۴، آغاز عصر اتومبیل (۱۸۸۵)، بخار

جایگزین بادبان در کشتی‌های اقیانوس‌پیما

می‌شود، اختراع صفحه گرامافون و خود

گرامافون، ترقی مهم در صنعت چاپ، تحرک

زیردریایی‌ها به مدد برق، کشف امواج

رادیویی، ولادت ورزشی جهان‌شمول: فوتبال، آغاز درمان دیفتی و تتانوس (کزاز)، برداشته شدن قدم‌های اول به سوی پرواز در آسمان، شکل گرفتن صنعت اتومبیل در حدود سال ۱۸۹۱، آغاز تلقیح بر ضد وبا، ولادت علم جامعه‌شناسی، اختراع موتور دیزل، کشف باکتری طاعون، کشف اشعه X، اختراع سینما توسط برادران لومیر فرانسوی (۱۸۹۵)، اختراع و کاربرد تلگراف بدون سیم، کاربرد رادیولوژی، احیاء بازی‌های المپیک، کشف علت اصلی مالاریا، آغاز صنعت اتومبیل (۱۸۹۸)، پیشرفت اطلاعات در مورد رادیواکتیویته، آگاهی به رادیواکتیویته اورانیوم و بالاخره ساخت

آسپیرین.^۲



پس از انقلاب فتی-

صنعتی تازه‌ای که قرن

نوزدهم پایه گذارد به

شرحی که گفته آمد،

می‌توان از انقلاب‌های

مهم دیگری در قرن مورد بحث سخن گفت که

به رعایت اختصار در سخن به آنچه گفته آمد

قناعت می‌شود.

اما باید تصدیق کرد که همه این تحولات

عظیم در برابر یک حادثه که به سال ۱۸۶۳ در

کنار شهر بغداد روی داد، مرتبه ثانوی دارد.

چون در رضوان یا اردیبهشت سال ۱۸۶۳ بود

که حضرت بهاء‌الله با اعلام مظهریت خود بنیاد

جامعه‌ای تازه، نظامی تازه و تمدنی تازه را که

می‌باید در طول زمان جایگزین همه انظمه

گذشته شود وضع فرمودند.

از بزرگ‌ترین مشخصه‌های این نهضت

روحانی، احترام به انسان و شرافت او بود که در آثار حضرت بهاءالله به کثرت یاد شده است. انسان که در ادیان سابقه گاه به عنوان موجودی گنه کار (اثیم) یا متمایل به شر مطرح بود در این ظهور الهی به عنوان جلوه گاه جمیع صفات و اسماء الهی مطرح شده است. به فرموده حضرت بهاءالله:

«انسان حقیقی به مثابه آسمان لدی الرحمن مشهود... مقامش اعلی المقام و آثارش مرئی امکان»

از این روشگفت نیست که به ظهور حضرت بهاءالله بردگی که از آغاز تاریخ حتی در جوامع متمدنی چون یونان معمول و در دیانتی پیشرو چون اسلام مجاز و مقبول بود به کلی بر افتاد، حقوق بشر و آزادی های انسانی متدرجاً در همه عالم شناخته شد. دوران تقلید و پیروی علی العمیاء از اولیای دین بسر

آمد و افراد انسانی توانستند به مدد خرد، خوبی و بدی چیزها را مستقلاً بسنجند و بنده و اسیر سنن دیرینه نباشند. کار که تا آن زمان به چشم وظیفه ای شاق نگریسته می شد ارج و مقام خود را در هیئت اجتماع پیدا کرد و امکان حفظ حقوق کارگران از بهره برداری غیرموجه کارفرمایان و مالکان بدست آمد. به آدمیان فرصت داده شد که به مدد تعلیم و تربیت که از نیمه دوم قرن مذکور متدرجاً اجباری و عمومی گردید، نیروهای خلاقه خود را به کار اندازند و منشأ و مصدر اختراعات و اکتشافات مهم شوند

و مصداق حق از برای ظهور جواهر معانی از معدن انسانی آمده، ظاهر گردد. پیشرفت های مهم قرن نوزدهم در علم طب، مبارزه با بیماری ها، تشخیص علت آنها، تلقیح برضد امراض واگیر، همه در جهت احترام به شرافت و کرامت انسان است که ناچار ارتباط نزدیک بین سلامت جسم و قوت فکر و روحش وجود دارد.

در ولایی مقام انسان و حیثیت او در این آئین نازنین همین بس که گفته شود امر مبارک برای آن آمده که بشریت را به مقام بلوغ خود برساند یعنی مرتبه ای که در وصف آن افصح الفصحاء سعدی شیرازی گفته است: «رسد آدمی به جایی که بجز خدا نبیند». اعطای عصمت به مؤسسه بیت العدل اعظم الهی گواه صادق دیگری بر اعتلای پایگاه انسان در این امر اعظم است که سابقه ای در



ادیان سالفه ندارد زیرا حق، مصوبات آن هیئت علیا را برابر قوانین نازل از قلم عصمت کبرای جمال ابهی قرار داده است. ■

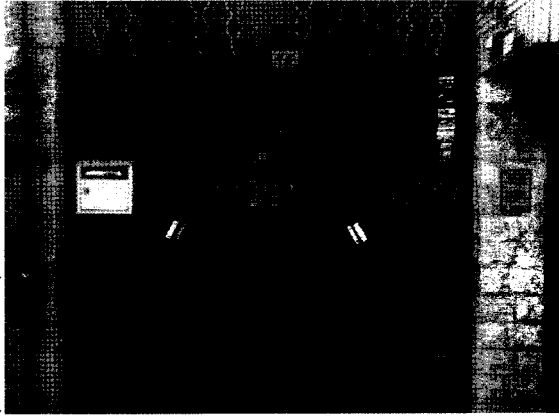
یادداشت ها

- ۱- طبق یکی از منابع (تاریخ عمومی تمدن در قرن نوزدهم) جمعیت دنیا در سال ۱۸۰۰ فقط ۸۸۰ میلیون نفر بود. در سال ۱۸۵۰ این جمعیت به ۱۱۸۶ میلیون نفوس رسید و در سال ۱۹۰۰ به ۱۵۷۱ میلیون بالغ شد و سرعت افزایش جمعیت مرتباً بیشتر و بیشتر گردید.
- ۲- فهرست این اکتشافات، اختراعات و ترقیات علمی و فنی در کتاب تاریخ عمومی تمدن ها- قرن ۱۹ اثر روبرت شرنب (Schnerb) (۱۹۶۸) آمده است.

است که اسلام را ترک گفته دین جدیدی انتخاب کرده‌اند بلکه شامل فرزندان و اعقاب ایشان نیز می‌شود.

این لایحه را در صفحات دیگر مجله بررسی کرده‌ایم اما از تشابه آن با دیوار معروف برلن نمی‌توانیم بگذریم. در بحبوحه جنگ سرد وقتی گروه گروه مردم ناراضی آلمان شرقی می‌کوشیدند به وسایل گوناگون خود را از یوغ آن رژیم خلاص کرده به آلمان غربی فرار کنند، دولت آلمان شرقی اقدام به کشیدن دیوار ضخیمی به دور برلن کرد تا هیچکس نتواند

بهشت کمونیسم را با همه مواهیش ترک کند و خود را به آزادی و دموکراسی برساند. برج‌های مراقبت که جا به جا در نقاط مختلف دیوار تعبیه شده بود کوچکترین حرکت



و جنبش را با رگبارهای مسلسل پاسخ می‌گفت و خروج از محدوده رژیمی را که تاریخ بر آن مهر باطله زده بود، غیر ممکن می‌ساخت. آنان که قانون "دیوار" را تصویب کردند و با ایجاد رعب و هراس مردم را در زندان آلمان شرقی مهار نمودند، کوشش خود را متمرکز بر تبلیغات گوش کرکن و به سخنان پردروغ و نیرنگ متمرکز ساختند به آن امید که بتوانند مردم را فریب دهند. ولی یک بار هم از خود نپرسیدند چرا مردم از کمونیسم فراریند و چرا هیچ چیز

آنان که این برنامه را تهیه دیده‌اند البته از این نکته غافل نیستند که باز کردن این راه گشودن دریچه اغتشاش و انتقام شخصی است. یعنی با صحه گذاردن بر چنین اقداماتی، به مانند دوره قاجار، هرکس با هرکس دشمنی داشت می‌تواند خانه او را آتش بزند، مغازه‌اش را غارت کند، اموالش را تصاحب

نماید یا او را به قتل رساند و با افتخار بگوید تصویر می‌کردم بهائی است. ثابت کردن این که کسی بهائی است یا نه در ایران امروز مشکل نیست. کافی است یک جزوه یا کتاب بهائی به دست

آورند، در جیب طرف بگذارند و قتلش را موجه و حتی ثواب جلوه دهند، دلیل دیگر نمی‌خواهد.

برای جلوگیری از این هرج و مرج اکنون دولت لایحه‌ای به مجلس شورای اسلامی برده که قتل بهائیان و دیگرانیشان را رسمی سازد. نه آنکه تا حال جان ایشان در امان بود بلکه با پشتوانه قانون اکنون بهتر می‌توان به عنوان مرتد خون ایشان را بر زمین ریخت و از هستی ساقطشان کرد. لایحه جدید نه تنها شامل آنانی

نمی‌تواند مانع آنان برای فرار از آن خفقان شود حتی گلوله گرم. آنان مست قدرت پاسخ هر چیز را در سرکوبی و کشتار می‌دیدند و چه بسیار بی‌گناهان را که پای آن دیوار و یا در پشت دیوارهای ضخیم زندان‌ها به هلاکت رساندند. بیشتر مردمی که امروز اسلام را ترک می‌کنند و به ادیان و عقاید دیگر روی می‌آورند مسیحیت، زردستی و مرام‌های عرفانی را انتخاب می‌نمایند. شاهد آن کلیساهای مختلف مسیحی در کانادا و امریکاست که اعضایش عموماً ایرانی‌اند و نیایش و مراسم دینی ایشان مثل غسل تعمید و غیره با رهبری کشیشی ایرانی انجام می‌گیرد. این تحوّل قابل فهم است. ایران هرگز کشوری تک دینی نبوده و بسیار پی‌جویان حقیقت چه در اوج قدرت دین زردستی در زمان ساسانیان و چه در دوران اسلامی به ادیان دیگری روی آوردند. کسی نمی‌پرسد با این سنت کهن تاریخی چرا اینک ایران باید کشور تک دینی باشد و حتی هیچ یک از فرقی اسلامی جز شیعیان نباید در آن حق حیات داشته باشند؟ در مجلس شورای اسلامی که قانون مجازات مرتدین را مورد بحث قرار داده و بزودی تصویب می‌کند حتی یکی از نمایندگان جرأت نمی‌کند بگوید آقایان بیائید از خودمان بپرسیم دلیل آنکه مردم اسلام را ترک می‌کنند مسیحی و زردستی و بهائی و صوفی و حتی بودایی می‌شوند چیست؟ چرا بجای پاداش مرگ، کاری نکنیم که آن افراد گروه گروه با رغبت و شادی به دامن اسلام بگردند؟

به دلایلی که بر همگان معلوم است کسی

را جرأت این پرسش نیست. زیرا بر او نیز مهر کافرو مرتد می‌زنند و دماری از روزگارش بر می‌آورند که دیگر مخالف خواست رژیم دم بر نیاورد. به نظر ما اسلام قدرت‌های نهفته‌ای دارد که اگر کشف شود و به کار رود با اسلامی که امروز به دنیا معرفی شده زمین تا آسمان فرق خواهد داشت.

تصویب این قانون زندگانی بر بهائیان ایران را از پیش نیز سخت‌تر خواهد کرد و کیفیتی ناگوار فراهم خواهد آورد که در قرن‌های اخیر در هیچ کشور اسلامی دیده نشده است.

برای آنکه بنمائیم چه برای جامعه بهائی تهیه دیده‌اند در صفحات داخلی مجله برخی از عکس‌ها و اخبار مربوط به وقایع اخیر را، که نشان بارزی از تعصب مهار نشده مذهبی است، آورده‌ایم. تعصبی که برای خون طلبی، حتی انتقام شهادت حضرت امام حسین را در کربلا در چهارده قرن پیش، که یزید و معاویه مسلمان عرب تبار مسئول آن بودند، با مبارزه با بهائیت یکسان جلوه می‌دهد. (سند ص ۲۲).

آنچه را امروزه در ایران بر امر می‌رود آسان نگیریم. اضطراب‌ها و دلهره‌ها و از همه بالاتر شجاعت‌های دلاوران ایران را فراموش نکنیم. به یاد آوریم که چگونه در این روزگار سخت، بی‌رحمانه‌ترین ضربات را به خاطر ایمان خود به حضرت بهاء‌الله تحمل می‌کنند و خم بر ابرو نمی‌آورند. در این ایام رضوان آنان را در دعا‌های خود فراموش ننمائیم، همانگونه که تاریخ هرگز آنان را فراموش نخواهد کرد و به آن قهرمانان خواهد بالید. ستایش و درود فراوان ما بر ایشان باد. **ب. ن**

شمس حقیقت از افق وجود اشراق نمود

جمال مبارک در نهایت عظمت و جلال... از دجله عبور کرده به بتان نجیب پاشا نقل مکان کردند.
در آن بتان خیمه مبارک بلند شد و در همان ساعت رتقاً لائف الاعداء اعلان عید رضوان شد.

حضرت عبدالبهاء

صالح مولوی نژاد

در این مقاله به اختصار به شرح عظمت اظهار امر جمال قدم در باغ رضوان، چگونگی آن و اثرات آن در عالم وجود که چگونه استعداد حرکت به سوی وحدت- که اساس فلسفه ظهور جمال مبارک است- روی نمود می پردازد. حصول استعداد در ایجاد علوم و فنون و صنایع بدیع، خود موضوع مستقلی است که در مقاله ای دیگر در همین شماره پیام بهائی ملاحظه می فرماید.

عظمت و تأثیر اعلان عمومی امر

اعلان علنی امر جمال مبارک در روز اول ایام رضوان به ظاهر ساده، بدون مراسمی خاص و مختصراً انجام شد اما درک اهمیت و عظمت این اعلان چنان است که اندیشه به آن پی نبرد و تنها زیارت آیاتی که از قلم اعلی نازل شده، مؤمنان موقن را به شمه ای از این عظمت هدایت خواهد کرد (آیات مبارکه از رساله ایام تسعه

ظهور هر یک از مظاهر الهی آغاز تأسیس تمدنی جدید است، تمدنی تکامل یافته تر از ماقبل و تأسیس این تمدن مستلزم حصول استعدادی جدید در جامعه بشری است که بر اثر تجلی فیض حق بر خلق ایجاد می شود.

حضرت عبدالبهاء در لوح مبارکی شدت و قدرت تجلی فیض حق بر خلق، که با ظهور جمال قدم به عالم انسانی اعطاء شده است را چنین بیان می فرمایند:

«امروز روزیست که شمس حقیقت از افق وجود اشراق نمود... این است که در کائنات اهتزاز جدیدی مشاهده می نمایید. ملاحظه کنید که دایره علوم و فنون در این عصر چقدر اتساع یافته و صنایع و بدایع عجیبه چگونه جلوه نموده و قوای فکریه چگونه ترقی کرده و اختراعات عظیمه چگونه به ظهور آمده. این عصر حکم صد عصر دارد...» (ایام تسعه، ص ۳۲۵)

نقل شده):

چه مؤمن، چه غیر مؤمن اما "رحیم" عطوفت و مهربانی است بر مؤمن، فقط. (ترجمه و خلاصه شده از تفسیر مجمع البیان طبرسی، ج ۱).

بر پایه همین صفت رحمانیت حق منیع است که جمال قدم می فرمایند: «فَلَسُوا يَا قَوْمِ انْفُسَكُمْ عَنِ الدُّنْيَا... لِتَسْمَعُوا نِدَاءَ رَبِّكُمْ الرَّحْمَنِ فِي هَذَا الرِّضْوَانِ...». (ایام تسعه، ص ۲۴۹)

● اعلان امر در باغ رضوان آغاز "خلق بدیع" است، خلقی که مقدر است با اجرای تعالیم جدید، تمدنی بدیع تأسیس نماید. در لوح مبارکی که سالی چند بعد از اعلان علنی امر در باغ رضوان نازل شده است، می فرمایند: «قَدْ قَبَضْنَا الْأَرْوَاحَ بِسُلْطَانِ الْقُدْرَةِ وَالْإِقْتِدَارِ وَشَرَعْنَا خَلْقَ بَدِيعٍ». (ص ۲۵۶)

● با اعلان امر در عید رضوان، "نسیم غفران" بر خلق وزید و حکم طهارت بر همه اشیاء تسری یافت:

مقدمات اعلان امر در باغ رضوان

شرحی که نبیل اعظم از وقایع ایام قبل از رضوان نوشته و به یادگار گذاشته است،^۲ بسیار خواندنی و به دل سپردنی است. به موجب این شرح در ایامی که به رضوان نزدیک می شد، الواح مخصوصی از قلم مبارک جمال قدم نازل می شد که حال و هوای دیگری داشت. شب ها اصحاب جمع می شدند و به تلاوت این الواح مشغول می شدند و چنان در شوق و شور بودند که گاه تا پهن شدن آفتاب از گذشت وقت بی خبر می ماندند. نبیل اعظم از این الواح نام برد: *لوح سبحان ربی الابهی، لوح غلام الخلد، لوح حور عجب، لوح هله هله یا بشارت، لوح یا قصیده از باغ الهی، لوح بازا و بده جامی*. و نیز نبیل می نویسد که در یکی از این شب ها، حضرت بهاء الله به حجره ای که اصحاب جمع شده به تلاوت این الواح مشغول بودند، وارد شده به همه گلاب عنایت فرمودند.

«هذا عيد فيه رفع القلم عن الاشياء بما ظهرت سلطان القدم عن خلف حجاب الاسماء. اذ اهل الانشاء سُرُوا في انفسكم بما مرت نسائم الغفران على هياكل الاكوان...» (ص ۲۴۷)

این بیان مبارک همان حقیقتی را مؤکد می کند که در کتاب مستطاب اقدس نازل شده است: «قَدْ انغمست الاشياء في بحر الطهارة في أول الرضوان...». (بند ۷۶)

این فیض عظیم - عفو خلق و طهارت اشیاء - که از حق بر عالم وجود تجلی کرده از صفت "رحمانیت" الهی نشأت گرفته است، نه از ظرفیت و لیاقت اشیاء و افراد.

در تعریف و تفسیر کلمه رحمن (رحمان) گفته اند که رحمن فقط به خداوند اطلاق می شود در حالیکه صفت "رحیم" می تواند در مورد هر کس به کار رود و نیز گفته اند که از حضرت رسول اکرم پرسیدند: معنی بسم الله الرحمن الرحیم چیست؟ فرمود: "رحمن" عطوفت و مهربانی خداوند است بر همه خلق

چگونگی اعلان امر در باغ رضوان

اغلب در کتاب های تاریخ ملاحظه می شود که نوشته اند در مورد آنچه که در باغ رضوان

گذشته و نحوهٔ اعلان علنی امر اطلاع دقیقی در دست نیست و مورّخین در آینده وظیفهٔ دشوار تحقیق در این حادثهٔ عظیم را بر عهده دارند.

این بندهٔ حقیر بر این باور است که مورّخین آتی چیز مهمّی بیشتر از آنچه که اکنون می‌دانیم کشف نخواهند کرد و در انتظار معجزه نباید بود. معجزه همان است که در الواح جمال قدم که قبل از رضوان نازل شده، به روشنی ملاحظه می‌شود. اشاره به چند قسمت از این الواح اهل دل را کفایت می‌کند. در لوح حور عجاب می‌فرمایند:

«قد طلع جمال القدس عن خلف الحجاب

وآن هذا لشيئ

عجاب... قد كشف

حور البقاء عن

وجهها النقاب و

تعالی جمال بدع

عجاب» (آیام تسعه،

ص ۲۵۱)

در قصیده از باغ الهی:

«آن جوهر روح حق - با صور آنا الحق - چون هادم اصنام آمد... آن سیف الهی - با جوهر یزدانی - بیرون ز نیام آمد - آن بلبل گلزار - از گلشن اسرار - از دشت به بام آمد... آن کنز تمام آمد - آن غیب به بام آمد...»

(از نسخهٔ خطی)

و در لوح غلام الخلد این بیان مبارک زیارت می‌شود:

«ای منتظران وادی صبر و وفا و ای عاشقان هوای قرب و بقاء، غلام روحانی که در کنائز عصمت ربّانی مستور بود، به طراز

یزدانی و جمال سبحانی از مشرق صمدانی چون شمس حقیقی و روح قدمی طالع شد... و چون آن کلمهٔ غیبیه از عالم هوئیة صرفهٔ واحدیه محضه به عوالم ملکیه تجلی فرمود، نسیم رحمتی از آن تجلی برخاست که راتحهٔ عصیان از کلّ شیء برداشت»

(آیام تسعه، ص ۹۷)

با زیارت این بیانات مبارکه، دیگر چه انتظاری است که بگویند آیا در باغ رضوان چه گذشت و چگونه اعلان امر شد؟

کافی است این حقیقت را نیز به یاد آوریم که اهل بیان به دل و جان در سال ۱۹ منتظر

ظهور من یظهره الله -

موعود حضرت اعلیٰ -

بودند (۱۸۶۳ = ۱۹ +

۱۸۴۴).

حضرت عبدالبهاء

واقعهٔ عظیم اعلان امر در

باغ رضوان را در چند

عبارت خلاصه فرموده‌اند که در آن روز فقط به

ذکر "من یظهره اللّهی" کفایت شد، می‌فرمایند:

«به مجرد ورود به باغ اعلان عید رضوان

شد و اظهار امر گردید... به ظاهر ظاهر تا آن

روز ذکر من یظهره اللّهی نفرموده بودند، در

آن روز ذکر نمودند» (آیام تسعه، ص ۳۳۰)

اعلان علنی امر حضرت بهاء الله در میانهٔ

قرن نوزدهم طلوع شمس حقیقت در عالم

انسانی بود؛ طلوعی که صبح صادق آن اعلان

امر حضرت باب اعظم، حوادث خطیر پس از

آن و شهادت پیروان آن حضرت و نهایتاً شهادت

آن مظلوم عالم بود.



ناپلئون سوم (عکس زیر)، امپراطور مقتدر و مغرور فرانسه بود.

این تحولات اداری و سیاسی گرچه عظیم و عبرت آمیز بود اما کشمکش ها و رقابت های جاه طلبانه ممالک اروپایی تخفیف نیافت حتی بر حدت و شدت آن افزوده گشت که لاجرم به فاصله ۲۰ سال به دو جنگ خانمان سوز جهانی منتهی گشت.

این دو جنگ جهانی ضربه ای بروجدان

خفته زمام داران جهان وارد آورد، در پی جنگ اول مبادرت به تأسیس "جامعه ملل" نمودند که از وظایف چندگانه آن، مهم تر از همه "حفظ صلح" بود که در آن توفیق نیافت و لهذا بعد از درگیری جنگ دوم، دول فاتح تأسیس سازمان ملل متحد را وجهه همت خود ساختند.

سازمان ملل با بیش از پنجاه واحد سازمانی اجرائی و مشورتی خود، موفقیتی را

که از آن انتظار می رفت و می رود حاصل نکرده است. این ناکامی حاصل دو عامل است: اول معایب درونی و ذاتی اساسنامه آن، دیگر فقدان وجدان جهان نگرى تصمیم گیران عمده آن. این مثل در ادبیات مدیریت رایج است که هیچ سازمانی بهتر از کسانی که در آن سازمان کار می کنند نیست. به عبارت دیگر، سازمان ابزار و وسیله کار است، حاصل کار منوط به آن

تحولاتی که بر اثر این نهضت روحانی در عالم پدید آمد، جز با صفت خطیرو اعجاب انگیز وصف شدنی نیست.

در نظامات اداری و سیاسی جهان دگرگونی هایی روی داد که در سراسر تاریخ، چه به لحاظ کیفیت و چه از نظر سرعت، بی سابقه بود. در ایران سلسله شاهان بی کفایت و ستمگر قاجار مضمحل شد، سلسله ای که در دوران دومین پادشاه آن، بخش عظیم و آباد شمال

ایران از این سرزمین جدا شد و در دوره پنجاه ساله سلطنت ناصرالدین شاه، چهارمین شاه آن سلسله، قتل عام فجیع پیروان حضرت باب و شهادت آن حضرت روی داد و با دریافت لوح مبارک حضرت بهاء الله، انتباه حاصل نمود.

امپراطوری عثمانی که به تبعیده های پی در پی جمال اقدس ابهتی و عائله مبارک مبادرت نمود، با وجودی که سلطان عثمانی و

وزرای او مورد خطاب و نصیحت و انذار قلم اعلی قرار گرفتند و به هیچ روی در رفتار ظالمانه خود تغییری ندادند و عاقبت از صحنه جهان بر افتادند و امپراطوری وسیع آنان به قطعات بسیار تقسیم شد.

در اروپا نیز که چند تن از شاهان مقتدر آن مخاطب الواح جمال اقدس ابهتی بودند، یک به یک ره اضمحلال پیمودند که مثل بارز آن



است که افراد آن سازمان چگونه آن ابزار را به کار گیرند.

در عین حال باید قبول کرد که سازمان ملل طرحی است- ولو با نقائص بسیار- برای سازمانی که در تعالیم حضرت بهاءالله برای اداره جهان پیش بینی شده و کلیات اساسی آن را حضرت ولی امرالله در توقیعات متعدّد- به فارسی و عمدتاً به انگلیسی- تشریح فرموده‌اند و مقدر است به ایجاد حکومتی جهانی بر اساس فدرالیسم منتهی شود.

روح جدیدی که با ظهور جمال قدم در

عالم دمیده شد، همچنان که تجلّی آن در مراحل سه‌گانه سیاه چال طهران، باغ رضوان در بغداد و بالاخره در ادرنه بمنصّه ظهور و شهود

رسید، در عالم وجود نیز جهان و جهانیان را مستعد حرکت به سوی وحدت نمود.

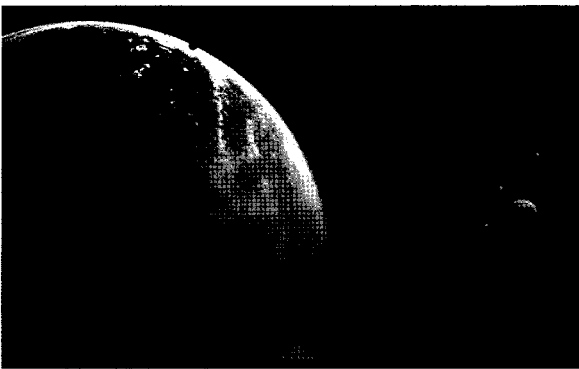
تا آغاز ظهور، سازمان‌های چندی که حکایت از همکاری‌های چند جانبه می‌کرد به وجود آمده بود اما این سازمان‌ها معدود و محدود بود اما در طی یک قرن و نیم گذشته حرکت به سوی وحدت چنان سرعت یافته است که ناگزیر به "وحدت اصلیه کلیه" منتهی خواهد شد. تعداد سازمان‌های غیر دولتی به هزارها رسیده است، سازمان‌های سیاسی ناحیه‌ای نیز روزافزون شده که گرچه بیشتر آنها

شبحی از سازمان واقعی است- همچون سازمان وحدت افریقا، اتحادیه ممالک عربی و امثال این دو- اما سازمان‌های مؤثّر و موفق نیز فراوان است که از جمله مهم‌ترین آنها اتحادیه اروپا را نام توان برد.

از کوشش‌های دیگری که در طی یک قرن و نیم گذشته انجام شده و همه حکایت از لزوم اتحاد و حرکت به سوی همبستگی و یگانگی دارد؛ از صدها، نمونه‌ای ذکر می‌شود (با استفاده از سالشمار وقایع جهان، از انتشارات لاروس فرانسه):

• در سال ۱۸۴۳

فلورا تریستان
اولین اتحادیه
کارگری را در
فرانسه بنیاد نمود.
او بیشتر متوجه
اتحاد زنان کارگر
بود زیرا بر این
عقیده بود که با



اتحاد، می‌توان امکانات آموزش و تعلیم و تربیت زنان را فراهم ساخت و در نتیجه زنان قادر خواهند شد مردان بهتری تربیت کنند. اتحادیه‌های کارگری مخصوصاً بین سال‌های ۱۸۸۰ تا ۹۰ در بیشتر ممالک تأسیس شد که در قرن بیستم در مسائل اجتماعی و اقتصادی اهمیت یافت.

• در ۱۸۵۶ اولین شرکت سهامی در لندن ایجاد شد که به منزله همکاری و مشارکت در سرمایه‌گذاری برای تولید بیشتر و اقتصادی‌تر محسوب است. این اقدام نتیجه اولین

• سال ۱۹۱۹ اهمیت خاصی دارد زیرا در این سال به پیشنهاد ویلسون، رئیس جمهور آمریکا، "جامعه ملل" تأسیس شد.

• در سال ۱۹۲۹ وزیر امور خارجه فرانسه Aristide Briand پیشنهاد تشکیل اتحادیه اروپا را به جامعه ملل تقدیم کرد اما به نتیجه‌ای نرسید زیرا آلمان آن را "آرزویی عبث" تعبیر نمود!

• در ۱۹۴۴ با شرکت ۴۴ کشور در بروتن وود

Brotton Wood بانک جهانی و صندوق بین المللی پول تأسیس شد. در آن مجمع نوعی

ارز بین المللی با نام Bancor پیشنهاد شد که

مأخذ تعیین ارزش پول‌های

ممالک عضو باشد (نوعی

پول جهانی) اما پیشنهاد

به نتیجه نرسید تا این

که در سال ۱۹۷۰

معیاری با عنوان "حق

برداشت مخصوص"

برای کنترل ارزها در نظر

گرفته شد.

• اتحادیه عرب با عضویت شش

کشور در قاهره ایجاد شد که اکنون همه

کشورهای عرب در آن عضویت دارند.

• ۱۹۴۵ سازمان ملل متحد تشکیل شد.

• ۱۹۴۸ اعلامیه حقوق بشر به تصویب رسید.

• در ۱۹۵۷ به موجب عهدنامه رم جامعه

اقتصادی اروپا پایه‌گذاری شد که سپس به

اتحادیه اروپا تبدیل و از اول ژانویه ۲۰۰۲

دارای پول واحد شد.

*

در پایان این بحث، به اختصار اشاره

نمایشگاه جهانی بود که ۵ سال قبل از آن توسط ملکه ویکتوریا (مخاطب لوح مبارک حضرت بهاءالله) افتتاح شده بود و در آن ۱۴ هزار واحد تجاری و صنعتی و هنری از سراسر جهان شرکت کرده بودند.

• در سال ۱۸۵۸ اولین آژانس بین المللی خبری در لندن توسط جولوس روتتر تأسیس گشت.

• در ۱۸۶۳ هانری دونان "صلیب سرخ بین المللی" را در ژنو بنیاد نهاد.

• در ۱۸۸۶ کنگره آمریکا قانون اساسی آن

کشور را اصلاح نمود و به

سیاهان ساکن آن سرزمین

حقوق برابر با دیگر

شهروندان اعطاء کرد

(گرچه اجرای این

اصلاحیه سال‌ها به

تعویق افتاد اما راه را برای

کسب حقوق مساوی برای

سیاهان باز نمود و امروز شاهد

آنیم که یک امریکایی آفریقایی تبار برای

کسب مقام ریاست جمهوری آمریکا تلاش

می‌کند).

• در ۱۸۹۶ مسابقات المپیک که نماد

همبستگی ورزشی بین جوانان جهان است از

سرگرفته شد (این بازی‌ها یادگار متروک شده

یونان قدیم است که بین حکومت‌های شهری

برگزار می‌شد).

• در ۱۹۰۷ نهضت پیشاهنگی در انگلستان

برپا شد و به تدریج در سراسر جهان متداول

گشت.

می شود به گسترش و استقرار متین جامعه اسم اعظم در جهان که در طی یک قرن و نیم چه راه درازی پیموده است.

نظم اداری بهائی که مقدمه و الگوی نظم جهانی جمال اقدس ابهی محسوب و اساسش در آثار قلم اعلیٰ نازل شده (در کتاب **مستطاب اقدس** و الواح متمم آن) چنان بدیع و بی بدیل بود که در آغاز حتی خوشبین ترین افراد، تحقق و اجرای آن را آرزویی دیرپاب تصور می کردند اما قوه نامیه و جوهر فعالی که در این طرح الهی مکنون بود به تدریج اما با اطمینان و اقتدار به جلوه درآمد. این قوه نامیه در عهد میثاق با صدور صدها لوح از قلم حضرت عبدالبهاء اولین آثار خود را به عرصه شهود مشهود نمود.

الواح بی شمار حضرت عبدالبهاء، چه آنهایی که به افراد احباء خطاب می شد و چه الواح عمومی، بنیان جامعه بهائی را تقویت نمود، عهد و میثاق را به عنوان محور وحدت عالم انسانی و پایه پیشرفت های آتی استوار ساخت، جامعه پیروان اسم اعظم که به چند کشور مشرق زمینی محدود بود با سفرهای تاریخی حضرت عبدالبهاء به قاره های اروپا و امریکا گسترش یافت و با صدور فرامین تبلیغی و ترغیب یاران به فتح روحانی سرزمین های جدید، موجبات تأسیس جوامع کوچک اما فعال را در بیشتر سرزمین ها فراهم ساخت و در پی آن با صدور الواح بیشمار -از جمله الواح اصحاب شور- افراد احباء برای تشکیل محافل روحانی و مشورت و تصمیم گیری جمعی تربیت شدند و نهایتاً بر اساس **الواح مبارکه وصایا** مشخصه های مؤسسه ولایت امرالله و بیت العدل اعظم که در

آثار شارع امر الهی، اولی به اشارت و آن دیگر به تصریح تنصیص شده بود، تعیین گردید.

در دوره ولایت بر اساس الواح وصایای حضرت عبدالبهاء و فرامین تبلیغی آن حضرت، روش اداره جامعه اسم اعظم متحول شد: کوشش های فردی پیروان امر الهی در تبلیغ به مسیری جدید و بدیع هدایت شد که آن، تنظیم و اجرای برنامه های تبلیغی بود. در آغاز، هیکل مبارک برنامه هایی برای جامعه بهائی قاره امریکا تنظیم فرموده احباء را به اجرای آنها تشویق و راهنمایی می کردند سپس همین روش را برای ممالک اروپایی و سپس با نقشه جهاد روحانی ده ساله به سراسر عالم بهائی تعمیم دادند.

بیت العدل اعظم نیز همین روش را پی گرفتند اما به تدریج با بلوغ و تکامل محافل ملی به تعیین هدف های کلی برنامه های تبلیغی اکتفا فرموده، جنبه های اجرایی و جزئیات را بر عهده هیأت های مشاورین قاره ای و محافل ملی واگذار فرمودند. حاصل چنین کوشش ها سبب شد که بذر نظم اداری بهائی که در نیمه دوم قرن نوزدهم در مزرعه نظام روحانی عالم کاشته شده بود، به جوانه و شاخه و برگ و به سرتاسر عالم گسترده شود و در پایان قرن بیستم، امر بهائی به لحاظ گستردگی جغرافیایی به عنوان دومین دین در آمار و اسناد معتبر محسوب شده انظار را به خود معطوف سازد. این هنوز از نتایج سحر است. ■

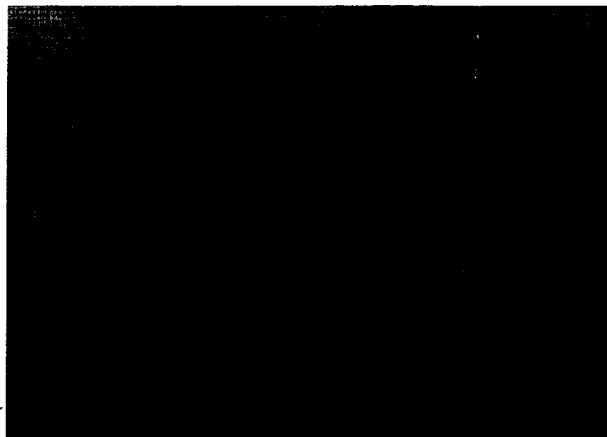
یادداشت ها

۱- از لوح حضرت عبدالبهاء، **آیام تسعه**، ص ۳۲۵.

۲- **آیام تسعه**، صص ۳۳۲ - ۳۳۵.

برجامهء بهائی ایران چه می‌گذرد

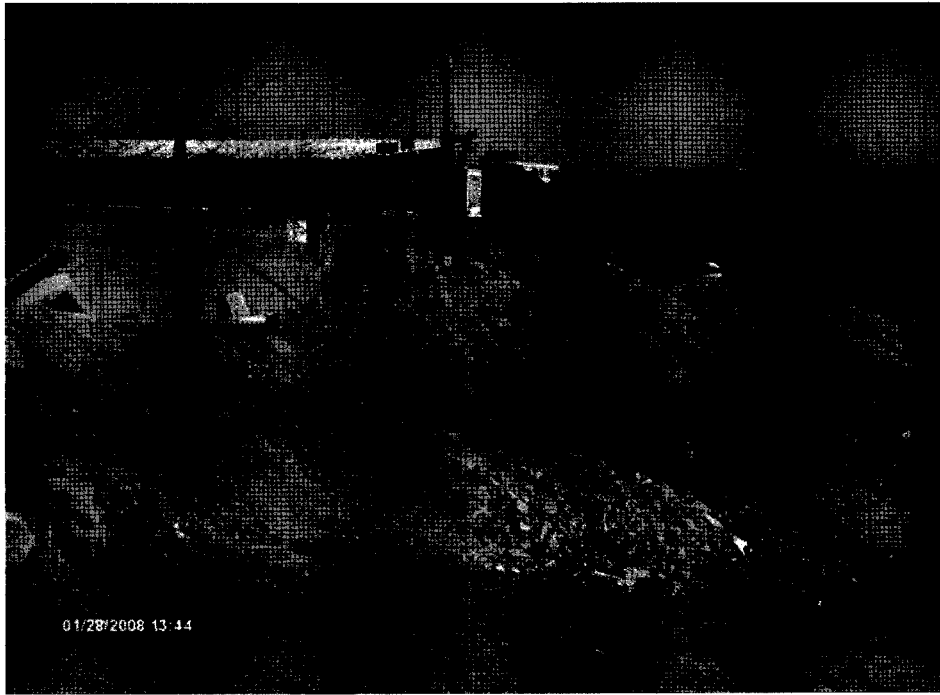
پرتاب کوکتل مولوتف در خانه‌ای در شیراز
۱- روز دوشنبه ۶ اسفند دقایقی قبل از نیمه
شب، آرامش یک خانوادهٔ چهار نفره بهائی در
شیراز با شکستن
شیشهٔ یکی از
پنجره‌ها و پرتاب
یک کوکتل
مولوتف در
داخل خانه بر
هم ریخت، و
بلافاصله
صدای موتوری
که با سرعت از



دریادداشت ماه این شماره اشاره به شدت
گرفتن تبعیضات و فشارها به جامعهٔ بهائی ایران
نمودیم. اینک به اختصار نمونه‌هایی از این
اقدامات را که
همگی در
راستای تضعیف
روحیهٔ احباء و
فلج ساختن
جامعه به کار
می‌رود
می‌آوریم. این
حملات به
احتمال فراوان از

محل حادثه دور می‌گشت شنیده شد. شعله‌های
آتش ناگهان از اطراف در ورودی زبانه کشید و
شیشه‌های عمارت که خرد شده بود در خیابان و
در اطاق‌های خانه پخش شد. سایر شیشه‌ها که
با انفجار اول شکسته نشده بود بر اثر حرارت
آتش یکایک شکست. یکی از اعضای
خانواده مطلب را با تلفن به پلیس خبر داد و
دیگران با آوردن آب به خاموش کردن حریق
پرداختند. رعب و وحشت همگی را فرا گرفته
بود تا سرانجام آتش را به هر کیفیتی بود

سوی سازمان نیرومند بسیج که دستش برای
انجام چنین اموری باز است برنامه‌ریزی و اجرا
می‌شود و با اطلاع کلیهٔ مقامات ذریبط انتظامی
و کشوری است. نفوذ اعضای انجمن ضد
بهائی حجّیه در سازمان بسیج و دیگر
سازمان‌های نظامی کشور دلیل دیگری بر تشدید
این فعالیت‌ها است. ظاهراً به مقامات امنیتی
دستور داده شده که در صورت شکایت بهائیان
در این کارها دخالت نکنند و شاکیان را سر
بدوانند.



01/28/2008 13:44

منزل همسایه‌ها پناه بردند. همسایگان حیرت زده از این منظره به آنها گفتند از پیش عده‌ای به منازل ایشان رجوع کرده و گفته‌اند در ساعات شب از خانه بیرون نیایند و اگر صدایی شنیدند اعتنا نکنند زیرا مانور نیروی نظامی در جریان است.

خاموش نمودند. همسایگان جملگی بیرون ریخته و با ناباوری به این منظره می‌نگریستند. سرانجام پلیس وارد شد و گزارشی تنظیم نمود ولی همانطور که انتظار می‌رفت از پیگیری پلیس نتیجه‌ای حاصل نگردید.

ویران ساختن دیوار خانه یکی از احباء

۲- در یکی از شب‌های همین ماه خانه یکی از احباء در آباده در حالی که فقط دو دختر جوان ایشان در منزل بودند مورد حمله قرار گرفت. ناگهان صدای غرش بولدزری برخاست و بخشی از دیوار خانه با صدای مهیبی فرو ریخت. دو دختر جوان وحشت زده با دیدن افرادی که نقاب بر صورت داشتند و در خرابی دیوار کمک می‌کردند، به آن سوی خیابان به

عملیات علیه یک طیب بهائی

۳- به دنبال ویرانی گلستان جاوید بهائیان در نجف آباد و اخراج چهار دختر جوان بهائی از دبیرستان این شهر که با حمله سی چهل زن و مرد بسیجی به دبیرستان انجام گرفت، این بار حملات متوجه مطب خانم دکترهما آگاهی شد که با تهدید و نگاشتن شعارهای ضد بهائی و توهین آمیز، بر در و دیوار مطبش، مانند

دشمن اسلام و قرآن، جاسوس اسرائیل و غیره موفق به بستن مطب این خانم شده‌اند. خانم دکترهما آگاهی مدت ۲۸ سال در کمال صداقت به مردم نجف آباد خدمت نموده و همه مرضی از رفتار و اخلاق و حذاقت ایشان تعریف می‌کنند. حتی یک مورد نیز ارائه نشده که در طی این ۲۸ سال مشارالیها در مطبش گفتگوی تبلیغی با کسی کرده باشد. خانواده آگاهی روی شعارها را با اسپری پوشاندند ولی شب‌های بعد بار دیگر نگارش این توهین‌ها تکرار می‌شد. سرانجام این خانواده محو کردن شعارها منصرف شده به کلانتری مراجعه کردند. این مراجعه منجر به اقداماتی طولانی و فرساینده خانم دکتر و همسرشان در ۵۴ مورد به مقامات گوناگون شد. این مراجعات عبارت بود از شکایت به دادگستری، گفتگو با صاحبخانه (که تهدید شده بود باید اجازه خانم دکتر را فسخ کند)، ملاقات با امام جمعه آباده (که گفته است این کار از دست من خارج است)، مراجعات مکرر به نظام پزشکی، اداره اطلاعات نجف آباد، اداره اطلاعات اصفهان، همسر نماینده نجف آباد در مجلس، دادگستری اصفهان، نماینده نجف آباد در مجلس، کانون وکلاء، فرمانده نیروهای انتظامی، فرماندار نجف آباد و غیره. مقامات اداره اطلاعات و نیز فرمانده نیروی انتظامی و فرماندار به آنان می‌گویند ما می‌دانیم همه از شما راضیند و شما تبلیغ نمی‌کنید ولی همسر و دو فرزند شما تبلیغ می‌کنند و باید از این کار دست بکشند. فرماندار نوشتن شعار را بر روی دیوار مطب ایشان امری عادی می‌داند و می‌گوید بر روی دیوار منزل من و سایر مسئولین

رژیم هم شعار می‌نویسند. خانم دکتر آگاهی اظهار می‌دارد شما اقدام کنید که ما جلسه دوستانه‌ای با مخالفانمان داشته باشیم و در محیطی دوستانه اختلافاتمان را حل کنیم، سپس به تخریب گلستان و اخراج دانشجویان نیز اشاره می‌کنند. در این موقع فرماندار به عنوان اینکه کار دارد عذر آنان را می‌خواهد و از اطاق بیرونشان می‌کند.

سرانجام مالک محل به ایشان می‌گوید بیش از این وقت خود را تلف نکنید و به دنبال محل دیگری برای مطب خود باشید. تمامی این تلاش‌ها برای بستن مطب خانم آگاهی، علاوه بر احساسات ضد بهائی، یکی هم به خاطر آنست که این خانواده را از لحاظ مالی ناتوان و درمانده سازند. زیرا همسر ایشان که مهندس برجسته‌ای است از آغاز انقلاب بی‌کار است و شغل طبابت خانم آگاهی تنها ممر درآمد این خانواده می‌باشد.

خانم دکتر آگاهی قصد دارند مطب خود را در محل دیگری در نجف آباد برپا نمایند ولی مطمئن هستند که فشارها و اقدامات خصومت آمیز بسیجی‌ها در آنجا نیز ادامه خواهد یافت. شرح کامل این جریان را می‌توان در اینترنت در سایت زیر خواند:

<http://news-bahai.blogfa.com/post-9.aspx>

مجازات اعدام برای مرتدین

۴- مجازات اعدام برای مرتدین: مجلس ایران لایحه‌ای را تحت بررسی دارد که مواردی از نقض جدی حقوق بشر را نهادینه خواهد کرد، مواردی که نه تنها بهائیان بلکه دیگران را

حتی در بیرون از کشور در معرض خطر قرار خواهد داد.

بیستین نگرانی مربوط به بخشی از این قانون است که مجازات کسی را که از اسلام به دینت دیگری گرایش پیدا کند مرگ تعیین

می‌کند. این تعبیر نه فقط بهائیان بلکه یهودیان و مسیحیان و غیره را نیز شامل می‌شود.

قانون پیشنهادی در عین حال دامنه اختیارات حکومت را در آنچه اخلال در امنیت ملی می‌خوانند به بیرون از کشور بسط می‌دهد و به اعمال تبعیض‌هایی که در حال حاضر بطور گسترده بر علیه بهائیان و دیگران صورت می‌گیرد جنبه قانونی می‌دهد. این قانون تعریفی چنان مبهم از بعضی جرائم "مذهبی" و غیر آن ارائه می‌کند که می‌تواند تقریباً هر گروهی را که مورد تأیید حکومت نباشد در معرض اتهام قرار دهد.

این قانون به حکومت و روحانیون اجازه خواهد داد تا با برخورداری از مصونیت قضائی، شهروندان ایران را به صرف اعتقادات مذهبی آنها تحت پیگرد قرار دهند. بخش تازه این لایحه درباره تغییر دین- به عنوان ارتداد- بخصوص بسیار شدید است، بدین معنی که

نحوه نگارش آن مجازات اعدام را برای هرکس که از اسلام به دینت دیگری رو بیاورد و بلا فاصله توبه نکند الزام آور می‌کند.

در متن پیشنهادی کلمه "حد" آمده، به معنای آنکه اعدام، مجازات قطعی تعیین شده برای این جرم است و قابل تغییر، تبدیل و یا نقض نیست بر اساس این قانون، پیروان هر دینی غیر از اسلام که در موقع انعقاد نطفه‌شان یکی از والدین آنها مسلمان بوده، مرتد شناخته می‌شود. در نتیجه اگر، به عنوان مثال، فرزند یک مسلمان و یک مسیحی دینت مسیحی را اختیار کند بر اساس مفاد این قانون مرتد و مجازات او اعدام است.

بخش نگران‌کننده دیگری از این لایحه قوانین "امنیت" کشور را به بیرون از ایران تعمیم داده و کسانی را که در خارج از کشور هستند در برابر حکومت آسیب‌پذیر می‌کند. اگر این قانون جدید کیفری به تصویب برسد ایرانیان بهائی- و

« اخطاریه »

«حسین جان!» یک بار دیگر در این ماههای خونریزک پیام

عشورایت را شنیدیم

اکنون نوبت ماست که لبیک گوئیم!!!

و نگذاریم فرزند حسین، یضی امام زمانم مظلوم واقع شود و اجازه ندهیم افراد بی سرو پا و مرقد هر تهمتی را به او وارد کنند.

بهایبی مرتد !! گوش فراده :

امام عصر ما (عج) هنوز ظهور نکرده و قیام تموده است. اما قبل از قیام او با حسین هم قسم شده ایم که «**نسل شما بهاییان را از روی زمین برکنیم**»، یا دست از ادعا هایتان بردارید و یا منتظر عواقب کارهایتان باشید.

این اقدام ما شروع کار است و ادامه آن بستگی به

جوانان حزب الهی و منتظران مهدی (عج)

دیگران- در سراسر عالم به خاطر فعالیت‌هایی که مغایر با امنیت ایران تلقی شود در معرض اتهام قرار می‌گیرند.

ابهام این قانون در تعریف «توهین به مقدسات» و جرائم دیگر نیز مجوزی برای حکومت خواهد بود که بر علیه هر گروهی که مورد تأییدش نیست وارد عمل شود. این قانون شامل ماده‌هایی است که به ارتکاب جرائم و تبه‌کار نامشخص در قانون ارجاع شده و نیز ماده‌هایی که به «مفسد فی الارض» می‌پردازد.

این قانون برای کسانی که «سبّ النبّی» کرده باشند مجازات اعدام تعیین کرده است. اینگونه ملاحظات در قانون بسیاری از گروه‌ها از جمله بهائیان

خانه در اصفهان شعارهای ضدّ بهائی نگاشته شده و اعلامیه‌ای که شهادت حضرت امام حسین را با مبارزه با بهائیت ربط می‌دهد در سطح شهر پخش نموده‌اند.

تحریم معامله با شرکت‌های بهائی

۶- بنا به تصمیم دولت چندین شرکت ساختمانی و عمرانی که مدیران آن افراد بهائی بوده‌اند ممنوع معامله اعلام گردیده و ارجاع شغل به ایشان جرم شناخته می‌شود. نام این شرکت‌ها اعلام شده است.

بقیه در صفحه ۵۰

را در موقعیتی بسیار آسیب پذیر قرار می‌دهد چون «سبّ» یا توهین به پیامبر، خصوصاً وقتی اعتقادات مذهبی مطرح باشد، می‌تواند به هر مفهومی اطلاق شود.

در تحوّل دیگری در همین زمینه رئیس اتحادیه اروپا اخیراً «نگرانی جدی» خودش را از «وضعیت روبه وخامت» جامعه بهائی در ایران ابراز کرد. (نگاه کنید به شماره پیش).

اعلامیه علیه بهائیان

۵- بطوری که در عکس‌های مربوطه ملاحظه خواهید فرمود بر روی درب چندین

آرزوی سحرگاه

به مناسبت جشن فرخنده رضوان

سیمین شبیانی

بیا، ببین:
که پس از این طلوع جاویدان
دگر نه روی زمین
از شکوفه‌ها خالی است.
دگر نه غنچه نشکفته
در چمن باقی است.
بیا، ببین:
ز فراز بلند کوه فلک
چگونه آبشار پر از نور
بر جهان جاری است.
بیا، ببین:
به دل خاک و سنگ و چوب و نبات
چگونه رودهای پر از آب پاک حیات
چو خونِ سخ
به رگ‌های زندگی ساری است!
بیا، نگاه کن:
ز دل توده‌های ابر سیاه
چگونه قطره باران نور
می‌بارد!
بیا، نگاه کن:
که شهنشاه ملک جان امروز
چگونه پرتو لطفش به خاک
می‌تابد!

نگاه کن به افق:
بعد از این قرون سیاه
در این سپیده روشن، به بارگاه بهاء
که آرزوی سحرگاه
در دمیدن اوست!
بیا، ببین:
که پس از انتظار طولانی
چگونه دشت‌های فرورفته در خماری خواب
در اشتیاق حضور و
تب رسیدن اوست!
کنون نگاه کن:
که نسیم بهار با همه شوق
ز اوج کوهسار کیبود نهفته در دل ابر
ز قلّه‌های فرورفته زیر مخمل برف
ز روی مرغزار مه‌آلود خفته می‌آید؛
که مژده می‌دهد
از آستان رویش سبزا!
بیا، بیا،
که به پاس خجسته آمدنش
صدای جوشش هستی است
در رگ عالم
صدای رستن دانه است
از نهان زمین
نوای رویش برگ است
بر درخت کهن!

آیا پایان جهان نزدیک است؟

ترجمه به تلخیص از مجله جهان ادیان

شماره نوامبر - دسامبر ۲۰۰۷

موضوعات مرکزی و محوری و وعظ و تعلیم مورمون‌هاست که مذهب خود را کلیسای عیسی مسیح و مقدّسان ایام واپسین می‌خوانند. شاهدان یهوه سابقاً پایان جهان را برای سال ۱۹۱۴ اعلام کرده بودند بعد تاریخ ۱۹۲۵ را تعیین کردند و سرانجام سال ۱۹۷۵ را سال پایانی انگاشتند و چنان که مجله آنان برج مراقبت حکایت می‌کند اینان دائماً در انتظار دیدن و نشان دادن علائم پایان جهان بوده و هستند.

مجله جهان ادیان در آخرین شماره خود (نوامبر، دسامبر ۰۷) مقاله‌ای را به اعلام پایان جهان در سال ۲۰۱۲ اختصاص داده و می‌نویسد هم بنیادگرایان یهودی، مسیحی و مسلمان و هم بعضی از اصحاب اندیشه New age (عصر نوین) گرفتار یک تب و هیجان مخصوص مربوط به فرجام‌شناسی شده‌اند، تب و هیجانی که حال بر روی صفحه اینترنت هم انعکاس پیدا کرده. بعضی منتظر آمدن مسیح یا ماشیا هستند و برخی هم انتظار یک سانحه

کتاب مکاشفات یوحنا که انجیل مسیحی با آن پایان می‌گیرد، نقش عمده را در اندیشه انتظار مسیح در میان مسیحیان ایفا کرده است. بر طبق این کتاب پس از یک دوران آشفتگی که در آن حکومت شر بر سراسر جهان گسترده خواهد شد، بازگشت حضرت مسیح در جلال پدری روی خواهد داد و دوران حکومت زمینی مسیح همراه با جمع عادلان که دگر باره زنده شده‌اند به مدت یک هزار سال فرا خواهد رسید. اندیشه هزاره از همین جا نشئت یافته، اندیشه‌ای که در سایر ادیان توحیدی وجود ندارد.^۱ در تمام طول تاریخ مسیحیت، جنبش‌های هزاره‌طلب یا میلناریست به ظهور پیوستند و هدفشان آن بود که مسیحیان را آماده این بازگشت مسیحایی کنند، حادثه‌ای عظیم که می‌بایست همراه با وقایع و سوانح خطیر طبیعی و کیهانی و نیز بی‌نظمی و هرج و مرج اجتماعی باشد.^۲ در حال حاضر ادونتیست‌ها، مورمون‌ها و شاهدان یهوه به همین اعتقاد باقی هستند و نزدیک بودن پایان جهان یکی از



بزرگ کیهانی
را دارند که
تاریخ یا لا اقل
دورانی از
تاریخ را به
پایان برد.

یکی از
کتاب‌های
بسیار پر فروش
در امریکا (سال
۲۰۰۶) کتاب
آپوکالیپس

سال ۲۰۱۲ سال اتصال دو دوره کاملاً متفاوت خواهد بود و شاید در انتقال از دوره‌ای به دوره‌ای، تلفات بسیار انسانی روی خواهد داد. متفکران عصر نوین new age هم همین سال ۲۰۱۲ را سال آغاز دوران تازه‌ای دانسته‌اند. مجموعه‌ای از رسالات به نام یی کینگ Yi-Qing که از چند هزار سال قبل در نزد چینی‌ها باقی مانده به زبان رمز همین مهلت سال ۲۰۱۲ را برای حوادث عظیم مورد پیش‌بینی خود تعیین کرده است.

میکائیل دروسنین Drosnin در کتابی که آن را در سال ۱۹۹۷ به فرانسه ترجمه کرده‌اند به مطالعه نسخه عبری تورات پرداخته و به این نتیجه رسیده که ستاره‌های شهاب در سال ۲۰۱۲ به زمین خواهند خورد و در نتیجه کره زمین ما معدوم خواهد شد. جوزف میکائیل لوری Levy هم معتقد است که از سال ۲۰۰۴ کره زمین وارد مرحله تصفیه و ترکیه‌ای شده که در سال ۲۰۱۲ به مرحله استعمار و وجدان برتر

۲۰۱۲ بوده که به عنوان یک تحقیق علمی وقوع یک سانحه عظیم کیهانی را در سال مذکور محرز می‌داند. نویسنده کتاب لورانس جوزف یک روزنامه‌نویس امریکایی است و کتاب را به عنوان محصول ۱۵ ماه تحقیق مستمر خود ارائه نموده و می‌گوید سال ۲۰۱۲ یک سال پر انقلاب و پرتنشجاست بی‌سابقه خواهد بود و علائم و قرائن علمی، مذهبی و تاریخی همه حاکی از آن است که در سال مذکور مجموعه‌ای از حوادث و سوانح خطیر طبیعی و شاید فوق طبیعی روی خواهد داد. به اعتقاد یک کشیش بزرگ مایائی از گواتمالا در روز ۲۱ دسامبر سال ۲۰۱۲ یک عصر تازه برای تاریخ بشریت آغاز خواهد شد. در آن روز عصر چهارم تقویم کیهانی قوم مایا که شروعش ۳۱۱۴ سال قبل از میلاد مسیح بوده خاتمه می‌یابد و عصر پنجم شروع می‌شود، عصری که در آن «انرژی یعنی نیروی حیاتی میان عنصر مرد و عنصر زن متعادل خواهد شد».

منتهی خواهد شد.

سازد.

هرگاه به اینترنت نگاه کنید در سایت مخصوص مبشرین مسیحی یعنی voxdei.org (آوای خدا) اطلاعات مبسوطی در باره فرجام‌شناسی آنان بدست می‌آورد. در آن سایت مفصلاً راجع به عواملی که دنیای ما را تهدید به مرگ می‌کنند، سخن رفته است عواملی چون رونق دیکتاتوری، رواج تروریسم؛ حتی حرکت جهانی شدن به عقیده این مبشرین، علائم غلبه دشمن مسیح بر دنیاست anti-christ (وی همان شخصیت بدی است که قبل از رجعت مسیح ظاهر می‌شود و دنیا را پر از ستم و درد و گرفتاری می‌کند). این تجلی ابلیس یا شیطان می‌کوشد که مانع بازگشت و ظهور ماشیا یا مسیح گردد.

در همه ادیان توحیدی ذکر فرا رسیدن یوم موعود هست و در تاریخ یهود نام بسیاری از ماشیاهای دروغین آورده شده. در آخر قرن بیستم مناهم شنیرسون حاخام یهودی Schneerson را عده‌ای از شاگردانش به عنوان ماشیای حقیقی تصور می‌کردند. وی در ژانویه ۲۰۰۶ در سن ۱۰۸ سالگی درگذشت.

هر چند در قرآن مجید اندیشه فرجام عالم هست اما خصوصاً در احادیث است که اقوال حضرت محمد و اصحاب (صحابه) او در این مورد نقل شده. بر طبق بسیاری از این اقوال پیش از آمدن مهدی، مسیح رجعت خواهد کرد. همان عیسی مسیح که به قول مسلمانان هرگز صلیب نشده بلکه خدا او را به آسمان چهارم طلبد و برکشیده است. وقتی وی آمد دجال را که معادل دشمن

یک گورو (مردشد) هندی در حوالی مدرس اعلام کرده که در سال ۲۰۱۲ دوران تیره کالی Kali به آخر می‌رسد و یک عصر نوین طلایی آغاز خواهد شد.

از جمله علائم پیش‌رس آن حوادث بر طبق نظر جوزف نامبرده، گرم شدن بیش از اندازه خورشید، جابجایی قطب‌های کره زمین، شدت گرفتن گرمای جو و احتمالاً برخورد کره زمین با یکی از ستاره‌ها و کرات پراکنده در فضای لا یتناهی خواهد بود.

موضوع پایان جهان یا پایان دوره‌ای از حیات عالم و شروع دوره‌ای تازه، از تم‌های مشترک ادیان بزرگ است، در هر سه دین توحیدی ظهور مسیح یا ماشیا مقدمه‌ای خواهد بود بر آخر الزمان و داوری نهایی که فقط خدا تاریخ دقیق آن را می‌داند. در دنیای مسیحی از ابتدا اندیشه فرجام جهان مطرح بود و مسیحیان اولیه باور داشتند که به زودی زود، مسیح مصلوب زنده خواهد شد و باز خواهد گشت و حکومت خدا را بر روی کره ارض مستقر خواهد فرمود.

این بشارت روز آخر و موعود آخرین، در حقیقت میراث آئین یهودی است که در آن انتظار ماشیا تعلیم شده، ماشیا که می‌باید بیاید و به ذلت و امتحانات دشوار قوم یهود پایان دهد و پیروزی و غلبه نهایی اسرائیل را بر دشمنانش تأمین و تضمین کند. این انتظار موعود آخرین در اسلام هم پذیرفته شد و سنی و شیعه هر کدام به وجهی در انتظار مهدی هستند که دین حقیقی خدا را بر روی زمین مستقر

مسیح یعنی anti-christ است معدوم خواهد کرد. به گفته دیوید کوک (Cook) که مطالعه‌ای را به این موضوع اختصاص داده، عده‌ای از پیش‌بینی‌ها مربوط به سال ۲۰۷۶ است یعنی سال ۱۵۰۰ به تقویم اسلامی. هستند حتی تروریست‌هایی که گمان می‌برند که به اراده و فرمان الهی لشکرهای ملعون دشمنان اسلام معدوم شده و اسلام بر سراسر عالم غالب خواهد شد.

منتظران را خبر نشد). محاسبات جدید در باره سال ۲۰۱۲ نشان می‌دهد که پیوسته تلاش می‌شود که آن یوم منتظر را به تاریخ مؤخرتری محول کنند کاری که ادوتیست‌ها کردند در حالی که ویلیام میللر سال آن حادثه عظیم را صحیح استنباط کرده بودند مانند ژرف اسمیت و عده‌ای دیگر. ■

یادداشت‌ها

۱- نویسنده در این مورد اشتباه می‌کند زیرا حتی در *قرآن* سخن از هزاره رفته است: «یدبر الامر من السماء الی الارض ثم یرج الیه فی یوم کان مقداره الف سنة مما تعدون».

۲- به تشابه این علائم با علائم ظهور امام زمان برای شیعیان ۱۲ امامی توجه شود!

۳- آپوکالیپس معادل کلمه مکاشفات نیست. این لغت هر چند در اصل یونانی به معنی مکاشفات بوده است ولی امروزه به معنای اعلام پایان جهان به کار رفته و رواج یافته.

۴- توضیح در باره عصر کالی و پایان آن: در آئین هندو اعتقاد به زمان دوری است و پایان هر دور (سیکل) آغاز دور تازه‌ای در جریان پیوسته تجدید حیات است. بر طبق تقویم اسطوره‌ای هندو، عصر حاضر کالی یوگا است یعنی عصر کالی که دوره تاریکی است و جهان در آن رو به تباهی می‌رود و سوانح طبیعی همراه با اغتشاش اجتماعی و بهم‌ریختگی نظم اخلاقی روی داده و می‌دهد. با آمدن کالکی Kalki دنیا از نابودی قطعی نجات می‌یابد. کالکی یکی از تجلیات همان ویشنو خدای هندی است که حافظ نظم جهان در طول یک زمان است و وقتی دنیا به بی‌نظمی نخستین خود بازگشت، باز کالکی به او شکل تازه می‌دهد و نظم تازه می‌آفریند.

۵- علاوه بر این مقاله می‌توان به مقاله مبسوط قبلی همان مجله در مورد ادیان و پایان جهان (شماره مارس- آوریل سال قبل ۲۰۰۶) مراجعه کرد.

اسلام شیعی ایران از این تاب و تب آپوکالیپسی برکنار نمانده است و شیعیان به طور جدی عقیده دارند که امام دوازدهم که در سال ۹۴۱ م. از انظار غائب شده، در پایان دنیا ظاهر خواهد شد و دین حقیقی را برکسی خواهد نشانید. بسیاری از ایرانیان، انقلاب اسلامی ایران را حرکت پیشاپیش ظهور مهدی موعود می‌انگارند و مراجع قدرت در ایران این اندیشه و امید ظهور نزدیک امام غائب را به صورت مختلف در مردم زنده و نیرومند نگاه می‌دارند. حتی رئیس جمهور فعلی ایران اقدامات خود را معطوف به این هدف که آماده کردن ظهور امام آخر الزمان باشد قلمداد کرده است.^۵

پیام بهائی: چنان که دکتر امین الله مصباح در مقاله مبسوطی راجع به نهضت‌های هزاره طلب (میلناریست) نوشته‌اند، این نهضت‌ها محدود به چند فرقه‌ای که ذکر آنها در مقاله رفت نبوده، در نزدیکی نیمه قرن نوزدهم شور و هیجانی شدید سراسر عالم را فرا گرفته و بر طبق محاسبه عده‌ای می‌بایست ظهور موعود منتظر در حوالی سال ۱۸۴۴ روی دهد (که روی داد و غالب

قرآن درباره زن چه می‌گوید؟

به قلم اقبال الغربی استاد مدرسه عالی علوم الهی زیتونه تونس
ترجمه به تلخیص از مجله جهان ادیان، شماره‌های سپتامبر- اکتبر ۲۰۰۷

یدخلون الجنة ولا یظلمون نقیراً». از دیدگاه اسلام فرد انسانی فارغ از آن که مرد یا زن باشد از جهت اخلاقی و اجتماعی مسئول اعمال و افعال خویش است. زن یا مرد هر دو حق شرکت در حیات سیاسی و اداره اموال مشترک را دارا هستند و هر دو می‌توانند در نماز مسجد حضور یابند و سرسپردگی خود را به رسول الله اعلام دارند. معذک ۶ آیه قرآن برتری مرد بر زن را تصریح می‌کنند که از نظر بعضی اصحاب علم، گواه صغیر بودن ابدی زن هستند. این ۶ آیه مربوط به این موضوعات می‌شوند: قضیه قیمومت، موضوع طلاق یک‌جانبه، مسأله چندزنی یا تعدد زوجات، محدودیت ارزش شهادت زن و قضیه سهم الارث.

تعدد زوجات

دیانت اسلام در محیطی "پدرسالار" نشئت یافت و در چارچوب چنین محیطی بود که می‌بایست قضیه چند زنی را که قبلاً نزد اعراب معمول و موجود بود، تحت نظم و

قرآن زن و مرد را از آغاز آفرینش مساوی دانسته است. حوا از دنده آدم آفریده نشده و او عیناً چون مرد در برابر وسوسه‌ها و میل سرپیچی از اطاعت خدا که شیطان آدمیان را به آن سوق می‌دهد، مسئول است همچنان که در سوره ۲۰، آیه ۱۱۷ آمده:

«فقلنا یا آدم ان هذا [اشاره به ابلیس] عدو لک و لزوجک فلا یخرجنکما من الجنة فتشقی» زن مانند مرد دارای اراده خیر است و وظیفه مبارزه با شریر عهده او نیز هست چنان که در سوره ۹، آیه ۷۱ آمده است:

«و المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و یمینون الصلوة و یؤتون الزکوة و یطیعون الله و رسوله. اولئک سیرحهم الله، ان الله عزیز حکیم» لهذا زن و مرد هر دو مشمول رحمت الهی هستند. قرآن کریم تصریح می‌کند که فرد هر که باشد اعم از زن یا مرد اگر در ضمن داشتن ایمان اعمال خیر انجام دهد، به بهشت وارد خواهد شد. (سوره ۴، آیه ۱۲۴): «و من یمعل من الصالحات من ذکرٍ أو أنثی و هو مؤمن فالولئک

ضابطه آورد لذا در سوره ۴، آیه ۳ چنین مقرر شد: «فانكحوا ما طاب لكم من النساء مثنى و ثلاث و رباع فان خفتم الا تعدلوا فواحدة أو ما ملكت ایمانكم ذلك ادنی الا تعولوا» یعنی از زنان هر قدر دلتان خواهد دو، سه یا چهار زن اختیار کنید ولی اگر بیم از بی عدالتی دارید به یک زن اکتفا کنید یا به کنیزانی که دارید اکتفا نمایید و این حکم از آن جهت است که مبادا از عدالت به دور شوید و ستم کنید.

در همان سوره النساء قرآن به صراحت می گوید که شما هرگز نخواهید توانست در حق هر یک از زنان خود به عدالت رفتار کنید هر قدر که در اجرای عدالت اهتمام نمایید (سوره ۴، آیه ۱۲۹): «ولن تستطیعوا ان تعدلوا بین النساء ولو حرصتم فلا تمیلوا کلّ المیل فتذروها کالمعلّقة و ان تصلحوا و تتقوا فان الله کان غفوراً رحیماً». کلمه لن = «هرگز» واضح و در حقیقت نوعی اخطار یا انذار است. کدام وجود غیر معصومی می تواند خود را به اندازه کافی عادل بداند و در نتیجه به تعدد زوجات روی آورد؟ به نظر می رسد که ذکر لزوم عدالت قدمی در راه الغای نهایی این عادت دیرین چندزنی است.

طلاق

در سوره ۲، آیه ۲۲۹ چنین آمده: «الطّلاق مرتان فامساک بمرعوف أو تستریح باحسان» بعد از دو بار طلاق، جواز رجعت هست یا زن را باید نگاه داشت و یا با خوبی و خوشی از او جدا شد. به عبارت دیگر طلاق همیشه مشروط به شرط انصاف و معدلت است چنان که در سوره ۶۵، آیات ۱ و ۲ آمده: «یا ایها النبی اذا

طلّقتم النساء فطلقوهن لعدتهن و احصوا العدة و اتقوا الله ربکم لا تُخرجوهن من بیوتهن و لا یخرجن الا ان یأتین بفاحشة مبینه و تلک حدود الله و من یتعدّ حدود الله فقد ظلم نفسه... الی اخر» که ماحصلش این است که وقتی زنی را طلاق می دهید رعایت مهلت قانونی (عده) را بکنید، آنان را از خانه خود اخراج نکنید مگر آن که عمل زشت آشکاری مرتکب شده باشند. اینها قوانینی است که خدا معین کرده، آن که از این قوانین تخطی کند به خود ظلم کرده است. در پایان مهلت، شما یا آنان را به خوبی و خوشی نگاه می دارید یا به خوبی و خوشی (معروف) از آنان جدا می شوید. دو شاهد عادل در میان خود طلب کنید و در برابر خدا شهادت دهید.

قرآن در سوره ۲، آیه ۲۲۹ تصریح می کند که زن هم می تواند از مرد جدا شود و طلاق گیرد به شرط آن که آنچه را از مرد بابت مهر گرفته مسترد دارد.

قضیه ارث

به هنگام ولادت اسلام دو نظام مختلف مربوط به ارث و وراثت در عربستان معمول بود. در مدینه زنان و کودکان از ارث بهره نمی بردند چنان که افراد محجور. در حالی که در مکه زن حق ارث بردن داشت و می توانست ثروت شخصی داشته باشد چنان که خدیجه همسر اول حضرت محمد از شمار زنان توانگر بود. این مورد اخیر است که مورد قبول و ترجیح قرآن قرار گرفت چنان که در سوره ۴، آیه ۷ آمده: «للرجال نصیب مما ترک الوالدان و الاقربون و

للنساء نصيب مما ترك الوالدان والاقربون مما قل منه أو كثر نصيباً مفروضاً» یعنی هم مردان و هم زنان از پدر و مادر و اقربای خود ارث می‌برند. این مال ارث چه کم باشد چه زیاد، دادن سهمیه الزامی است. در مورد سهم هر یک از وراثت در آیات دیگر تصریحاتی آمده مثلاً در مورد سهم اطفال در سوره ۴، آیه ۱۱ که می‌گوید: «سهم پسر معادل دو برابر سهم دختر است اگر فقط دختران در میان باشند دو سوم مال الارث به آنها می‌رسد و اگر فقط یک دختر باشد، نصف مال موروث به او می‌رسد. اما در مورد همسران در سوره ۴، آیه ۱۲ چنین آمده است: نصف آنچه زنان شما به ارث می‌گذارند به شما تعلق می‌یابد و این در صورتی است که طفلی نداشته باشند و اگر یک طفل (فرزند) داشته باشند، شما (شوهران) حق بهره‌مندی از ربع ماترک آنان را دارید اما شما شوهران همسرانتان یک چهارم ماترک شما را خواهند یافت و این در صورتی است که فرزند نداشته باشید ولی اگر دارای فرزند باشید سهم الارث آنها یک هشتم خواهد بود.

موضوع دادن شهادت

در سوره ۲، آیه ۲۸۲ چنین آمده: به دو شاهد مرد متوسل شوید، در صورتی که دو شاهد مذکر یافت نشود یک مرد و دو زن را به شهادت طلبید تا اگر یکی از آن دو زن اشتباه کند آن دیگری خطای او را یادآور او شود. این حکم قرآن در ارتباط با قروضی است که در معاملات مالی روی می‌دهد که غالباً موضوعاتی پیچیده هستند لذا تصور نمی‌رود که

قابل تعمیم به سایر موارد و مواضع باشد. عجب نیست که بسیاری از قضات، تعمیم حکم فوق را نمی‌پذیرند و در مواردی که قول زنان معتبرتر است منجمله در امور خانوادگی شهادت زنان را به صورت برابر می‌پذیرند.

قضیه حجاب

موضوع حجاب ۸ بار در قرآن مذکور است که اشاره آن به پرده یا چیزی شبیه آن است و هیچگاه به معنی پارچه‌ای که زن باید سر و کله خود را با آن بپوشاند نبوده و نیست. در سوره ۷، آیه ۴۶ حجاب به معنی پرده است، پرده‌ای ضخیم که میان بهشت و جهنم قرار دارد. در سوره ۱۷، آیه ۴۵ حجاب به معنی پرده حائل میان مؤمنین و منکرین حیات بعد است. می‌تواند به معنی فاصله هم باشد چنان که در سوره ۱۹، آیه‌های ۱۷-۱۶ آمده که وقتی مریم عیسی را در شکم داشت، خانواده خود را ترک کرد و در نقطه‌ای در شرق زمین منزوی شد و حجابی بین خود و خانواده خود برقرار داشت. خدا از پس یک حجاب نامرئی به مردمان خطاب می‌کند (سوره ۴۲، آیه ۵۱) ولی این حجاب مانعی برای غیرمؤمنین محسوب می‌شود (سوره ۸۳، آیه ۱۵) پس حجاب به معانی متعددی غیر از آنچه تصور شده در قرآن به کار رفته.

یک مورد اطلاق کلمه حجاب در باره زنان پیغمبر است که قابل مقایسه با هیچ زن دیگری نیستند. اگر شما می‌خواهید چیزی را از زنان پیامبر بخواهید از پشت حجاب طلب کنید. چنین رفتاری پاکیزه‌تر است برای قلب‌های شما

مفسران حدود بدن خود را نمایان کنند.

قهر و خشونت در روابط زناشویی

در عربستان قرن هفتم میلادی قهر و خشونت رسم رایج در خانواده‌ها بود و پیغمبر آن را منع فرمود و مجازاتی برای آن قائل شد و اجازه داد که زن کتک خورده بخواهد که رسماً و در ملاء عام شوهرش کتک خورد. این دستور که مدت سه سال مجری بود موجب عصبان و طغیان (لابد از جانب آقایان) شد، در زمانی که مسلمانان از جهت نظامی درگیر و مورد تهدید بودند لذا قرآن ترتیب جدیدی را مقرر داشت و در سورهٔ ۴، آیهٔ ۳۴ به مردان اجازه داد که در برابر ترس از نافرمانی زنان (نشوز) نخست به نصیحت پردازند و اگر نتیجه نداد رختخواب خود را جدا کنند و در مرتبهٔ سوم آنان را کتک بزنند ولی اگر زنان توبه کردند، مردان دیگر بر آنان سخت نگیرند.

سنگسار و ختنه زنان

اسلام زنا را مورد مجازات قرار می‌دهد و آن را جنایتی بر ضدّ دین تلقی می‌کند معذک که هیچ آیهٔ قرآن نیست که حکم سنگسار کردن را به عنوان مجازات چنین عملی در آن بتوان یافت در حالی که در قرآن مجازات‌های دیگری تعیین شده چون صد ضربه شلاق (سورهٔ ۲۴، آیهٔ ۲) و حبس ابد (سورهٔ ۴، آیهٔ ۱۵) و یا توسل به غضب الهی (سورهٔ ۲۴، آیهٔ ۹) معذک که سنگسار کردن زن زانیه یا ختنهٔ خاص دختران در بعضی ممالک مسلمان به استناد احادیث نبوی معمول است ولی از نظر بسیاری از مفسران قرآن اطمینان به صحت این احادیث نمی‌توان کرد. ■



و قلب‌های آنان (سورهٔ ۳۳، آیه‌های ۳۲-۳۳)، دنبالهٔ آن سوره چنین است: ای پیامبر، به زنان خود و دختران خود و به زنان مؤمنین بگو که جلایب خود را روی خویش بیفکنند. (جلایب: جمع جلاب چادر یا جامهٔ گشادهٔ زنان یا بالاپوشی که زنان بر روی لباس پوشند یا ملحفه‌ای که شخص خوابیده تن خود را با آن بپوشاند. المنجد) به این ترتیب آسان‌تر شناخته می‌شوند و مورد اهانت قرار نمی‌گیرند (سورهٔ ۳۳، آیهٔ ۵۹) که عین عبارت قرآنی چنین است: «یا ایها التبی قل لأزواجک و بناتک و نساء المؤمنین یدنین علیهنّ من جلابیبهنّ ذلک أذنی ان یعرفن فلا یؤذین و کان الله غفوراً رحیماً». در اینجا سخن از یک رسم نوین جامه‌پوشی نیست بلکه دعوت به حیا و آزر است و این حیا و آزر را زنان باید همه جا مرعی دارند جز در برابر اقربا که قرآن فهرست آنها را در آیهٔ ۳۱، سورهٔ ۲۴ آورده که به آنها فقط زنان حق دارند زینت خود یا به قول

۶-۱۳ آوریل یا جشن یاسور

یادآوری عزیمت اسرائیلیان از مصر

در روزهای ۶-۱۳ آوریل یهودیان جشن حرکت نیاکان خود را از کشور مصر، در ظل هدایت حضرت موسی به سوی ارض موعود، می‌گیرند.

تقویم یهود از تقاویم شگفت دنیاست و در آن واحد قمری و شمسی است. مبدأ تاریخ برای یهودیان خلقت عالم است که به روایت قدما در سال ۳۷۶۱ قبل از میلاد روی داده. اسامی ماه‌های کنونی از اصل بابلی و آشوری است و در ایران و ادبیات آن هم ما با اسامی چون نisan (ماه هفتم)، ایار (ماه هشتم) و تموز (ماه دهم) آشنا هستیم.

یهودیان سال‌ها را بدین نحو تقسیم می‌کنند که هر ۱۹ سال یک دوره قمری را تشکیل می‌دهد و رعایت کیسه در سال‌های سوم، ششم، هشتم، یازدهم، چهاردهم، هفدهم و نوزدهم می‌شود. سال ممکن است ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵ شبانروز داشته باشد و سال‌های کیسه یک ماه اضافی دارند.

سال دینی را از اول نisan حساب می‌کنند و سال عرفی را از اول تشری که ماه اول سال و سی روزه است. اما قضیه حرکت اسرائیلیان از مصر که آزادی یهود از اسارت مصریان را می‌رساند در سفر خروج به تفصیل نقل شده است (عهد عتیق). به روایت سفر خروج بنی اسرائیل قریب شش هزار نفر بودند سوای اطفال و بعد از ۴۳۰ سال که در مصر اسیر بودند، خدا ایشان را نه از راه زمینی فلسطینیان که نزدیکتر بود، بلکه از راه دورتر، یعنی صحرای جوار دریای قلزم، به سوی مقصود روانه کرد و ضمناً فرمان رسید که یهودیان آن شب تاریخی را نسلاً بعد نسل نگاه دارند و حرمت کنند. جالب توجه است که حضرت موسی استخوان‌های یوسف را نیز با خود برداشت زیرا که او بنی اسرائیل را قسم داده بود که اگر وقت کوچ رسید، استخوان‌های او را نیز همراه ببرند.

این روایت هم چنین می‌گوید که بنی اسرائیل به مدد عصای حضرت موسی که دریا

را شکافته بود، به خشکی رسیدند، اما فرعون و تمامی لشکر و عرابه‌ها و سوارانش را دریا پوشانید، به نحوی که حتی یکی از ایشان باقی نماند.

در باب پانزدهم سفر خروج سرودی که حضرت موسی و بنی اسرائیل برای ستایش خدا ساخته‌اند، نقل شده است و آرزوی قوم یهود که به سرزمین گذشته خود باز گردد، با این عبارات بیان گردیده:

«ایشان را داخل ساخته در جبل میراث خود غرس خواهی کرد- به مکانی که توای خداوند، مسکن خود ساخته‌ای- یعنی آن مقام مقدسی که دست‌های توای خداوند مستحکم کرده است.» (باب ۱۵، عبارت ۱۷ تا ۱۸)

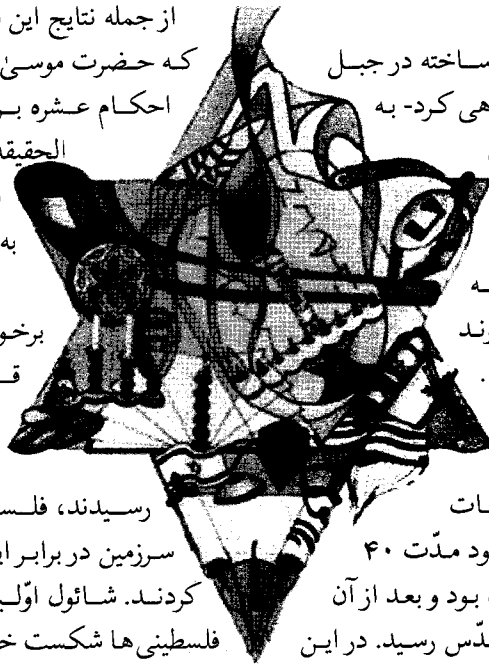
چنان که در روایات اسلامی آمده، قوم یهود مدت ۴۰ سال در بیابان سرگردان بود و بعد از آن به نزدیک سرزمین مقدس رسید. در این میان نخست هارون، برادر حضرت موسی، و بعد خود آن حضرت قبل از ورود به منزل مقصود درگذشتند و یوشع به جانشینی برگزیده شد و بنی اسرائیل را به اریحا ارض موعود برد. قصه عبور از دریا و نجات بنی اسرائیل و غرق شدن فرعون و قوم او در روایات اسلامی هم تأیید شده است.

به گفته عهده عتیق، تاریخ یهود با آباء ایشان،

یعنی ابراهیم و اسحق و یعقوب، آغاز می‌شود. حضرت ابراهیم از اورکلدانیان مهاجرت کرد و به کنعان رفت. بعداً یهود ساکن شمال شرقی مصر شدند و در آنجا چندین قرن پیش از میلاد به کشاورزی مشغول بودند و این در زمان رامسس دوم بود که مورد آزار و شکنجه مصریان قرار گرفتند و سرانجام به رهبری حضرت موسی از مصر بیرون آمدند.

از جمله نتایج این سفر یا هجرت، آن بود که حضرت موسی به طور سینا رفت و احکام عشره بروی نازل شد و فی الحقیقه احکام آئین جدید در دوره مهاجرت از مصر به قوم یهود عرضه شد.

ناگفته نماند که قصه برخورد یهود و فلسطینی‌ها قصه کهنه‌ای است، چون وقتی یهود از بیابان سینا به کنعان رسیدند، فلسطینی‌های ساکن آن سرزمین در برابر ایشان سخت مقاومت کردند. شائول اولین پادشاه یهودیان از فلسطینی‌ها شکست خورد و این داود بود که به پیروزی رسید و سرزمین‌های مورد تصرف خود را تا آن سوی نهر اردن بسط داد و فرزندش سلیمان معبد معروف را ساخت که در سال ۵۸۶ ق. م. به دست بابلیان ویران شد و یهود را به اسارت به بابل بردند. در چنین احوالی بود که کورش دست به آزادی یهود و بازگرداندن آنان به سرزمین خود (۵۳۸ ق. م.) زد و معبد را در ۵۱۶ ق. م. از نو ساخت. ■



ناشناخته‌ای به نام بودا

مجله نوبل اوربرواتور، تاریخ ۱۹ تا ۲۵ ژوئیه ۲۰۰۷

نویسنده: اورسولا گوتیه Ursula Gauthier

ترجمه: باهره راسخ

از طریق تعلیم شفاهی یعنی موعظه اعتقادات خود را به دیگران عرضه داشت و به نام بودا مشهور شد. به دشواری می‌توان در آنها افسانه را از حقیقت جدا ساخت.

اکثر نویسندگان زندگی‌نامه بودا برآنند که وی شاهزاده‌ای بود که در ۲۹ سالگی تصمیم می‌گیرد که همسر و پسر نوزاد و دوستان و منسوبان و کاخی

که در آن زندگی می‌کرد یک‌باره ترک کند. نیمه شبی ناگهان از خواب می‌جهد مشاهده پیکرهای نیمه عریان زنانی که پدرش برای سرگرمی او فرستاده بود، در میان ابزارهای موسیقی که در گوشه و کنار افتاده بود در نظرش چون توده‌ای جسد بی‌جان و کاخ باشکوهش همچون گورستان یخ‌زده‌ای جلوه می‌کند. مصمم می‌شود هر چه زودتر این لذت‌کاذب و این خوشی‌های فریبنده را کنارگذارد و از این



تعالیم بودا از سرزمینی در نواحی رودخانه گنگ Gang که در آنجا به موعظه پرداخت به سراسر دنیا راه یافته است. آنکه به نام بودا شناخته شده است کیست؟ و چرا چنین مردی در هندوستان در قرن پنجم قبل از میلاد تصمیم گرفت راه رستگاری را بیابد. از آغاز هشیاری- بیداری (Éveil) تا حصول به آرامش مطلق (نیروانا) طریقی بس

مسحورکننده است که بودا به دیگران نشان می‌دهد، چگونه سازمانی برای حصول به رستگاری بنیاد گذاشت؟

تاکنون روایات بیشمار که در آنها حقیقت و افسانه بهم آمیخته است در باره بودا نوشته شده است. این روایات در باره تولد و دوران کودکی و زندگی شگفت‌آور شخصی به نام سیدهارت Siddhart است که پس از پشت پا زدن به علائق دنیوی روی به زهد و ریاضت آورد سپس

پس عمر خود را وقف یافتن پاسخ پرسش‌هایی که روحش را آزار می‌داد بنماید. پس از آخرین نگاه به همسر و فرزندش از کاخ خارج می‌شود، نگهبانان قصر همه در خواب عمیق فرو رفته‌اند. هیچکس متوجه خروج او نمی‌شود در راه لباس‌های فاخر زربفت خود را با پوشش ژنده شکارچی تهی دستی عوض می‌کند و طریقه زندگی راهب دوره‌گردی را در پیش می‌گیرد تا به رستگاری رسد.

جالب آن که تعدادی افراد اصولاً منکر وجود تاریخی شخصی به نام بودا بوده‌اند. وی را موجودی افسانه‌ای می‌پنداشتند یا نمادی از فلسفه‌ای مشخص می‌دانستند. در سال ۱۸۹۶ پس از سال‌های متمادی جرّ و بحث‌های فراوان در این باره، باستان‌شناسان موفق به یافتن ستون سنگی به ارتفاع شش متر در

رومیندای (Rumindei) شدند که امپراطور آسوکا (Asoka) آن را بنا نهاده بود و روی آن نوشته شده بود به تاریخ ۲۴۵ سال قبل از میلاد مسیح بودا در این محل به دنیا آمده است. با کشف این اثر امروز هیچکس وجود تاریخی بودا را انکار نمی‌کند گرچه هنوز بحث در باره تاریخ تولّد او ادامه دارد. توافق بین نظرهای مختلف بر این است که این تاریخ را بین سال‌های ۴۸۰ تا ۵۶۰ قبل از میلاد مسیح تعیین کرده‌اند اما باستان‌شناس معروف

انگلیسی ریچارد گومبریچ Richard Gombrich (عکس زیر) تاریخ تولّد او را یک قرن پیش کشید و دوران زندگی وی را بین سال‌های ۴۸۰ تا ۴۰۰ قبل از میلاد دانست. بنا بر این نظر بودا بعد از زرتشت و کنفوسیوس و فیثاغورث زندگی کرده و می‌توان گفت معاصر سقراط بوده است. طبق روایات آمیخته با حقیقت و افسانه می‌گویند در قرن پنجم قبل از میلاد در قلمرو کوچکی بین کشور نپال و هندوستان در خانواده‌ای اشرافی کودکی زاده شد که در بزرگی به نام بودا شهرت یافت. در این سرزمین

در آن دوران نسوعی حکومت جمهوری اُلِیگارشی oligarchie (حکومت خواص) متداول بود که شورایی از شخصیت‌های برجسته فرمانروای کشور را انتخاب می‌کردند بنا بر این پدر Siddhart یکی از فرمانروایان بود نه "راجه".

زندگی در این سرزمین کوچک محصور با هوای ناسالمش دشوار بود حتی برای خانواده‌ای مانند خانواده بودا. دشت‌های حاصلخیز و بنا در مهم مانند بنارس و پاتنا در کرانه رودخانه گنگ در جنوب این سرزمین قرار داشتند که بعدها مهد آئین بودا شد.

افسانه‌های فراوان در باره تولّد خارق‌العاده بودا وجود دارد که طبق آن ملکه Maya با خود عهد کرده بود که از هم‌بستری با همسرش پرهیز کند. شبی در خواب می‌بیند که فیل بزرگی



رویارویی ناگهان او را هشیار کرد. به لذت‌های کاذب و ناپایدار زندگی پی برد، تعلقات دنیوی را ترک کرد و سالک راه طریقت شد. پیش‌گویی آن فالگیر تحقق یافت.

با پای برهنه و در نهایت تنگدستی مدّت شش سال آواره کوه و بیابان شد. راه جنوب شرق کشور را در پیش گرفت. در طیّ راه متوالیاً به شاگردی دو استاد تن در داد. اولی جوکی بود که به او نوعی Transe (از خود بدر شدن) می‌آموخت و دوّمی روشی به کار می‌برد که منجر به حالتی می‌شده است که در آن نه فکر وجود داشت و نه عدم آن. این آموزش که مدّت یک سال ادامه می‌یابد عطش او را فرو نمی‌نشانند و متوجّه می‌شود که این روش نه رنج را نابود می‌کند و نه او را به آرامش مطلق (نیروانا) رهبری می‌نماید. انصراف خود را از ادامه این روش به مریدانش اعلام می‌دارد و با پنج تن از آنان در پی یافتن روش مؤثرتری به راه می‌افتد. نزدیک به گیای Gaya کنار رودخانه‌ای توقف می‌کند و ریاضت سخت مبنی بر کفّ نفس از هر گونه لذّت جسمانی را در پیش می‌گیرد. چلیپاوار به روی زمین می‌نشیند و می‌کوشد تا حدّ امکان نفس را در سینه حبس کند، خوراک روزانه‌اش منحصر به یک دانه برنج می‌شود. این روشی است که پیروان جاینیسم (فرقه‌ای همعصر و رقیب بودیسم) به کار می‌برند. پیروان این فرقه در یک جا می‌نشینند و حرکت نمی‌کنند، غذا نمی‌خورند و می‌کوشند تا حدّ امکان نفس نکشند.

پس از پنج سال تحمّل این ریاضت که او

دارای شش خرطوم به پهلوی او دخول نمود و به این طریق او باردار شد. بنا بر این تولّد بودا از مادر باکره‌ای صورت گرفته است.

پس از سپری شدن ده ماه قمری یک روز هنگام گردش در باغ ملکه احساس نمود که زمان زایمانش فرا رسیده است خود را به درختی رساند و بی آن که احساس درد کند کودک به دنیا آمد. در این لحظه زمین به لرزه درآمد و بیماران ناگهان شفا یافتند. خدایان کودک را برکت دادند و او از همان وقت به سخن درآمد و به راه افتاد و گفت برای هشیاری (Eveil) و بیداری مردم آمده است.

پدر Siddhart غیبگویی را به حضور طلبید و آینده فرزندش را از او سؤال نمود وی در جواب گفت که دوسرنوشت در انتظار نوزاد است یا فرزانه (sage) می‌شود و یا فرمانروا.

ملکه یک هفته پس از زایمان درگذشت و پرورش کودک به عهده خواهر ملکه که به همسری شاه درآمده بود واگذار شد. پدر که از پیش‌گویی‌های فالگیر در باره سرنوشت پسرش نگران بود برای آن که او را از گرایش به مسائل معنوی و روحانی بازدارد همه‌گونه وسایل عیش و طرب را برایش فراهم آورد و هنگامی که بودا پانزده ساله شد دختری زیبا را به عقد ازدواج او درآورد. زندگی این نوجوان با تمتّع از لذائذ زندگی در نهایت بی‌خبری می‌گذشت.

بر حسب تصادف و به رغم دورانیدیشی‌های پدر برای مخالفت او از مشاهده مرارت‌های زندگی، Siddhart ناگهان با چهار واقعیت تلخ روبرو شد. در وجود چهار انسان با کهولت، بیماری، تنگدستی و مرگ مواجه شد. این

خدای دوزخ و شهوات که فرمانروای دوره زاده شدن و مردن است به او حمله می کند تا مانع از وصول او به هشیاری Eveil شود. امروزه این داستان را استعاره ای از پیکار درونی بودا تعبیر می کنند که می بایستی قبل از حصول به آرامش کامل جهت تفکر "مدیتاسیون" مراقبت نهایی کسب کند.

باری این خدای خشمگین فجایع اهریمنی ایجاد می کند که مانع حصول او به بیداری

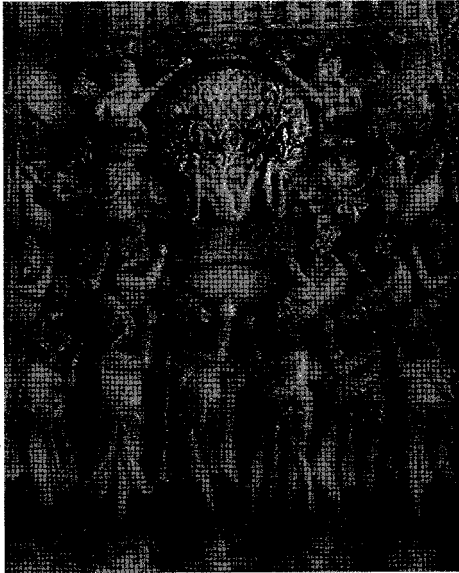
Eveil شود. مارماهی خوفناک، ابزارهای مرگ، دختران افسونگر مجهز به انواع افسون ها را به سوی او می فرستند اما هیچیک از آنها در وی اثر نمی بخشد و نمی تواند وی را که مجذوب هدف خویش است از آن تفکر عمیقی که ناخواسته در نوجوانی یافته بود باز دارد. با پیمودن مراحل پیاپی به اشراق

illumination کامل می رسد. این هشیاری موجب می شود که عمرهای گذشته خود و جمیع موجودات زنده را به یاد آورد و همچنین باعث می گردد که قوانین کارما Karma را تجزیه و تحلیل کند و مکانیزم دوباره زاینده شدن را درک نماید. در این مرحله همان وقایع شگرف آوری که هنگام تولدش اتفاق افتاده بود بار دیگر روی می دهد.

را چون اسکلت متحرکی نموده بود می بیند که در شرف مردن است در حالی که هنوز پاسخ پرسش خود را نیافته است. از این ریاضت دست می کشد، راه جدیدی که آن را راه میانه نام می گذارد انتخاب می کند. از جا برمی خیزد، استحمام می کند، محاسن خود را می تراشد. تکه پارچه کفن ماندی را که در آب رودخانه شسته است به تن می کند و برنجی که دختران دهکده مجاور برایش آورده اند قبول می کند، اکنون آماده دست یافتن به اشراق است "illumination".

چگونگی تبدیل سیدهارت به بودا (یعنی بیدار شده (Eveillé)

همراهانش که تغییر روش او را حمل بر بی ثباتیش کرده اند وی را ترک می کنند. Siddhart زیر درخت Ficus Religiosa (عکس



بالا) رو به رودخانه می نشیند و تصمیم قطعی می گیرد که تا راه رستگاری را نیابد از جای خود تکان نخورد. تمام شب به گونه ای که در هزاران نقاشی و مجسمه از او دیده ایم، می نشیند و فکر خود را نه به سوی مجردات بلکه به سوی قضیه تناسخ یا Samsara سامسارا (مکرر به دنیا آمدن و مردن) متمرکز می کند. نوشته شده است که در این هنگام "مارا" mara

ترویج و تعلیم عقاید و بنیان‌گذاری نظام نوین رهبانیت

آئین او موجب شد که افراد کثیری که در اوائل غالباً از برهمنان بودند به او اقبال کنند. شاهان دو کشور "ماگادها" magadha و "کُزالا" kosala پشتیبان او شدند. بسیاری از بازرگانان که برای موفقیت در امور تجاری به جای توسل به پرداخت تبرعات به مبالغی هنگفت طبق رسوم "وداها"، از آن پس مبلغ کمتری را که در نظرشان به همان اندازه ارزشمند بود به رهبانان بودایی می‌دادند. به این طریق بین بازرگانان و رهبانان رابطه تنگاتنگی در طی سفرها بوجود آمد و در مسیر کاروان‌های تجاری صومعه‌هایی ساخته شد. البته در میان رهبانان افرادی از قشرهای پایین اجتماع نیز دیده می‌شدند منجمله آرایشگر، کوزه‌گر، گورکن، رفتگر و فرزند یک فیلیان.

این نظم جدید رهبانیت هیچگونه تمایز و تفاوتی بین طبقات مختلف اجتماع و نژاد و تبار قائل نبود. پیرامون این هسته رهبانیت جامعه لائیک (غیرمذهبی) بوجود آمد که کار آنها تأمین معاش رهبانان در ازای آموختن تعالیم از آنان بود.

هفت سال پس از حصول به "اشراق" بودا به سرزمین خود بازگشت که در آنجا به ترویج آئین خود پردازد. صدها نفر از قبیله Sakya منجمله پسرعموی او به نام "آناندا" ananda از نزدیک‌ترین مریدانش می‌شوند و پسر و دایه‌اش به او می‌گروند. دایه از بودا کسب اجازه می‌کند که اولین نظم Monial را بنیان گذارد. این کار در سرزمینی که در آن زنان حق خواندن و آموختن متون مقدس ودائی Vedisme را نداشتند شایان اهمیت است.

در کتاب‌ها تصریح شده که در اوایل بودا نمی‌خواست به موعظه پردازد و می‌گفت چه فایده هیچکس نمی‌تواند به جای شخص دیگری راه به سوی حقیقت را بیاماید. سپس می‌گوید انسان‌ها همانند گل نیلوفر در میان برکه‌اند بعضی در نهایت شکوفایی و برخی به علت کوتاه بودن شاخه خود پیوسته در ته آب می‌مانند. اما هستند گل‌هایی که در آب شناورند و انتظار شعاعی از آفتاب را دارند تا سر از آب بیرون کشند. بخاطر آنها بود که بودا تصمیم گرفت آئینش را به دیگران بیاموزد و مدت چهل سال وقت خود را صرف این کار نمود.

در این سال‌ها با نیرویی خستگی‌ناپذیر در نواحی رود گنگ که آنجا را مهد رسالت خود قرار داد به ترویج آئین خود پرداخت اندکی پس از حصول به اشراق به یاران دیرینه‌اش که در نزدیکی شهر بنارس بودند، پیوست و با آنها در پارک غزالها (Gazelles) مستقر گردید و در آنجا برای نخستین بار به موعظه پرداخت و چهار حقیقت والا که اساس آئین بودایی است عرضه داشت. این چهار حقیقت عبارت‌اند از:
۱- رنج. ۲- منشأ آن. ۳- قطع آن. ۴- راه حصول به رهایی. در کتاب‌ها آمده است که بودا گاه برای اقناع مردم و پذیرفتن حقیقت تعالیمش کارهای اعجاز‌آفرینی را انجام می‌داد. بدون تردید معاصرینش معجزاتی را به او منسوب می‌داشتند همچون مرتاضان دیگر. در هر حال قدرت مافوق طبیعی و یا اصول

به عقیده اسکار فن هین هوبر Oskar von Freiburg استاد دانشگاه فریبورگ آلمان معجزاتی که به بودا منسوب می‌دارند در کتاب‌های بعد اضافه شده است. در واقع بودا نسبت به آنها بدگمان بود زیرا امکان داشت که رهبانان را از مقصد والا و هدف اصلی آنها منحرف سازد.

این معابد خانه بدوش مدّت زمانی به آن صورت باقی نماند، در زمان حیات بودا و به رغم بی‌میلی او پارک‌های اهدا شده به صورت مراکز رهبانیت دائم باقی ماند بعدها با تبرعات کریمانه افراد به صورت ملک طلق واقعی در می‌آید و حتی دارای رعیت می‌شود.

توطئه علیه بودا

دسیسه‌های گوناگون واپسین سال‌های زندگی بودا را تیره و تار می‌سازد. رقبای حسود بر او رشک آورده و تصمیم به بی‌اعتباری او می‌گیرند. یک بار موجب شدند که زنی روسپی وانمود کند که از بودا باردار شده اما شکم برآمده کاذبش به روی زمین می‌افتد و او را بی‌آبرو می‌کند. بار دیگر جنازه زنی نزدیک کلبه بودا کشف شد و بودا مورد اتهام قرار گرفت. اما تبهکاران را یافتند و توطئه آنان بر ملا شد. مسلماً موفقیت این آئین جدید دیگ طمع بسیاری از جمله پسرعموی بودا را به جوش آورد.

این شخص که از مقرب‌ترین پیروان بودا بود علناً مطالبه نمود که زمام امور را به دست گیرد و چون با امتناع بودا مواجه شد تصمیم گرفت او را از میان بردارد. مرد شیریری را به سراغ بودا

جامعه پیروان بودا شامل چهار گروه بود. گروه اول و دوم را مرتاضانی تشکیل می‌دادند که می‌بایستی از صدقه و خیرات مردم زندگی کنند. این مرتاضان دوره‌گرد لباس‌های ژنده می‌پوشیدند و در زیر درختی زندگی می‌کردند. دارایی آنها منحصر به یک کاسه گدایی، یک چاقو برای بریدن چوب و سوزنی برای دوختن پوشاکشان بود اما برخلاف بعضی از مرتاضان که سرپای وجودشان پوشیده از کثافت و چربی بود، اینها هر روز استحمام می‌کردند و با تراشه نازکی دندان‌هایشان را مسواک می‌کردند. در فصل باران همگی با هم در پارک‌هایی که بازرگانان سخاوتمند در دسترسشان می‌گذاشتند مجتمع می‌شدند. در کلبه‌های موقتی بسر می‌بردند و هنگام ادامه سفر آنها را ویران می‌نمودند.

سازمان معابد بودایی تقلیدی از نظام جمهوری الیگارشی بود که بودا هنگام کودکی آن را شناخته بود. در این سازمان رهبانان سالمند و کسانی که به مرحله "هشیاری" (Eveil) رسیده‌اند مدیریت تشکیلات را به عهده می‌گیرند. تصمیم‌های مهم توسط شورای منتخب گرفته می‌شود. هر یک از اعضاء این شورا حق اظهار نظر خود را دارد. در اینجا اخذ رأی صورت نمی‌گیرد، موضوع بحث آنقدر ادامه می‌یابد تا همگی به توافق رسند. سکوت کامل نشانه موافقت همگی است.

به تدریج نظم جدید منسجم می‌شود، در بین کارهای خلافی که منجر به طرد فرد از جامعه می‌گردد به جز قتل و دزدی و بی‌عفتی ادعای داشتن قدرت فوق طبیعی دیده می‌شود.

جلسات بزرگداشت یکصدمین سال انتشار کتاب مفاوضات

به مناسبت پایان قرن اول طبع و نشر کتاب مستطاب مفاوضات امسال در جلسات مجمع عرفان در امریکا و اروپا مطالعات تحقیقی در مسائل و مطالب مندرج در آن اثر جلیل ارائه می‌گردد. از وصول مقالات تحقیقی و ارائه آن‌ها در مجمع عرفان استقبال می‌کنیم.

قرار است مقالاتی که در این زمینه تهیه و ارائه می‌گردد به صورت کتابی به یادبود قرن اول مفاوضات تنظیم و منتشر گردد. برای اطلاع بیشتر و مشارکت در این طرح رجوع فرمائید به:

www.irfancoquium.org

info@irfancoquium.org

مجمع عرفان و کارگاه روش پژوهش آکادمیک و تهیه مقالات تحقیقی از ۲۶ ژوئن تا اول جولای ۲۰۰۸ در مرکز مطالعات بهائی در اکوتو ایتالیا برگزار می‌گردد. برای ثبت نام به نشانی زیر مراجعه فرمایید:

www.centrostudiabahai.com

xacuto@bahai.it

فرستاد تا او را به قتل رساند اما این شخص با اظهار پشیمانی از انجام مأموریت خود ابا نمود. داودا Daveda این بار سنگ بزرگی را از فراز کوه به سوی جایگاه بودا که در دامنه آن کوه بود غلطاند اما سنگ به هدف اصابت نکرد و بودا جان به سلامت برد. برای سومین بار این شخص فیل غضبناکی را در خیابانی که بودا در آنجا به موعظه مشغول بود راهنمایی کرد که در زیر دست و پای فیل جان سپارد اما بودا با قدرت ترحم خود فیل را آرام ساخت. این شخص اولین انشعاب را در تاریخ بودیسم بوجود آورد و عده‌ای را از بودا دور کرد اما با وساطت مریدان باوفای اورهبانانی که به پسرعموی بودا پیوسته بودند بار دیگر به سوی او آمدند.

مرگ بودا

در هشتاد سالگی بودا همچنان به سفرهای مداوم خود ادامه می‌داد. در طی سفر به خانه آهنگری به نام Cunda دعوت شد. میزبان با غذایی که از گوشت خوک تهیه شده بود از میهمان گرانقدرش پذیرایی نمود. این غذا او را مسموم کرد و دچار اسهال شدید شد. با این حال از ادامه سفر منصرف نگردید و به رغم دردهای شدید به راه ادامه داد اما ناگزیر در کنار جاده توقف کرد و در سایه درختی آرنید. بودا می‌دانست که اینجا آخرین توقف‌گاه اوست. رو به رهبانان گفت آنچه به شما آموخته‌ام استاد شما خواهد بود و آخرین سخنانش این بود، جمیع اجزاء شخص انسان محکوم به زوال است [لذا] بی‌وقفه بکوشید. ■



انجمن شور روحانی بین المللی

دکتر باهر فرقانی

در توقیعی خطاب به محفل روحانی ملی ایران می‌فرمایند:

«باید امنای مجلله محفل ملی روحانی آن اقلیم... در تهیه مقدمات انتخابات بین‌المللی بهائیان عالم که نتیجه‌اش تشکیل بیت عدل اعظم الهی... است کمابینگی و بلیق اقدامی سریع نمایند»^۱

در قانون اساسی بیت العدل اعظم روش انتخاب بیت عدل اعظم به تفصیل بیان شده از جمله انتخابات آن هر پنج سال یکبار مقرر گشته و تصریح گردیده که «اعضاء بیت العدل اعظم بوسیلهٔ اعضاء محافل روحانیهٔ ملیه در مؤتمری به نام انجمن شور روحانی بین‌المللی با ابداء رأی سرتی انتخاب خواهند گردید»^۲.

بنا بر این روشن است که انجمن شور روحانی بین‌المللی وظیفهٔ اصلیش انتخاب اعضاء بیت العدل اعظم است و ضمناً فرصت ارزنده‌ای است برای مشورت در بارهٔ

بزودی دهمین انجمن شور روحانی بین‌المللی برای انتخاب بیت عدل اعظم الهی در حیف، مرکز روحانی و اداری امرالله تشکیل خواهد شد بنا بر این شایسته است به ذکر اهمیت این مشروع جلیل پردازیم، یادی از نخستین انجمن تاریخی کنیم و به اختصار گذشت و تحول انجمن‌های بعدی را بررسی نماییم.

حضرت عبدالبهاء در الواح مبارکه وصایا با بیان مبارک زیر پایه و اساس بیوت عدل خصوصی را که در حال حاضر محافل روحانی ملی نامیده می‌شوند گذاشتند و اعضاء آنها را مأمور به انتخاب بیت عدل اعظم فرمودند:

«در جمیع بلاد بیت عدل خصوصی تشکیل شود و آن بیوت عدل بیت عدل عمومی انتخاب نمایند»

حضرت ولی امرالله نیز در توقیعات خویش به انتخابات بین‌المللی اشاره نموده‌اند از جمله

پیشرفت امر الهی بین معهد اعلیٰ و اعضای محافل ملی از یک طرف، و نمایندگان محافل با یکدیگر از سوی دیگر.

حضرات ایادی امر الله که پس از واقعه دردناک صعود نابهنگام حضرت ولی امر الله مسئولیت پیشبرد اهداف و نوایای آن حضرت را بردوش گرفته بودند از پیش ترتیبات لازمه را برای برگزاری نخستین انجمن شور روحانی بین المللی در حیفا داده، تاریخ آن را در رضوان ۱۹۶۳ از ۲۱ تا ۲۳ آپریل تعیین کرده و اعضای محافل روحانی ملی وقت را به آن دعوت نموده بودند.

هیئت ایادی امر الله مقیم ارض اقدس در پیام ۴ نوامبر ۱۹۶۲ به محافل روحانی ملی و منطقه‌ای با توجه به اهمیت دعا و مناجات و طلب تأیید در ایفای وظیفه بسیار مقدس انتخاب اعضای بیت العدل اعظم توصیه نموده بودند که هر محفل روحانی ملی و یا منطقه‌ای جلسه جداگانه و مخصوصی تشکیل دهند تا آنهایی که رأی خود را با پست می‌فرستند بتوانند در آن جلسه در یک جو روحانی برای اجرای این فریضه مقدسه خویش ابدای رأی نمایند.^۳

تشکیل انجمن شور روحانی بین المللی سال ۱۹۶۳ در تاریخ امر بهائی از بسیاری جهات یک واقعه تاریخی شمرده می‌شد. این انجمن از یک طرف طلیعه انتخاب نخستین بیت عدل اعظم الهی یعنی اعظم هیئت تقنینیه نظم اداری بهائی بود و از سوی دیگر بنیان گزار مؤسسه مقدسه‌ای بود که به فرموده حضرت ولی امر الله آیندگان آن را آخرین ملجأ و پناه مدنیت

متزلزل کنونی خواهند دانست.^۴

در این انجمن که مقارن با یکصدمین سال اظهار امر حضرت بهاء الله بود برای اولین بار بهائیان شرق و غرب از ممالک مختلفه و جزایر پراکنده در اقیانوس‌ها با لباس‌های زیبای محلی در کنار هم به زیارت مراقد مطهره مشرف می‌شدند. کسانی که افتخار شرکت در این انجمن داشته‌اند شاید پس از گذشت ۴۵ سال هنوز خاطرات شیرین آن را به یاد داشته باشند.

در این انتخاب تاریخی تعداد ۵۰۴ نفر اعضای ۵۶ محفل ملی که در پایان نقشه ده ساله در شرق و غرب عالم به خدمت قائم بودند شرکت داشتند ولی تعداد نمایندگان حاضر در انجمن ۲۸۸ نفر از ۵۱ محفل ملی بود.

شور و هیجان اعضای محافل ملی شرق و غرب که برای نخستین بار آنهم در جوار مقامات مقدسه گرد هم آمده بودند از عهده بیان و بنان خارج است.

جلسات شور این انجمن در سالن بت‌هاروف در حیفا برگزار شد ولی مراسم انتخاب و اخذ رأی در تالار بیت مبارک حضرت عبدالبهاء به عمل آمد.

به نوشته امة البهائیه روحیه خانم «حضرت عبدالبهاء در الواح وصایای خود ماهیت بیت عدل اعظم و ایادی امر الله و وظائف آنها را تشریح نموده بودند، بنا بر این برای ایادی امر الله چیزی مقدس‌تر و مناسب‌تر از آن نبود که مراسم انتخاب نخستین بیت عدل اعظم را در بیت مبارک آن حضرت برپا نمایند»^۵.

ابدای رأی برای انتخاب اعضای بیت



فتوحات نقشه ده ساله، تبلیغ و تقویت اساس امرالله، حفظ و صیانت امرالله، اهمیت عهد و میثاق و روابط عمومی امر بود.

بدین ترتیب در این انجمن تاریخی نخستین بیت العدل اعظم یعنی اعظم هیئت تقنینیه نظم اداری بهائی تشکیل شد و بشارت جریان سفینه الهی از کوه کرمل که در کوه مبارک کرمل از قلم حضرت بهاء الله نازل شده بود به تحقق پیوست و این وعده حضرت ولی امرالله به چشم ظاهر و باطن هر دو مشهود گردید:

آنچه در هویت این امر ابداع اکرم مستور و به تدریج از حین غیب به عرصه شهود خواهد آمد اول و اعظم آن، تأسیس دیوان

عدل اعظم در صبح روز ۲۱ آپریل با خوش آمد امة البهآء آغاز شد و نتیجه آن روز بعد به شرح زیر اعلام گردید، جنابان: چارلز ولکات، یان سمپل، هیو. ای. چانس، علی نخجوانی، لطف الله حکیم، ایموز. ای. گیسون، بورا کاولین، دیوید هوفمن، هوشمند فتح اعظم. (عکس بالا).

مراتب شور و هیجان انجمن و هلهله و شادی نمایندگان زمانی به اوج خود رسید که اعضای نخستین بیت العدل اعظم الهی به درخواست نمایندگان بر روی صحنه حاضر شدند و با قیام دسته جمعی و کف زدن ممتد حاضرین مورد استقبال قرار گرفتند.

مهم ترین مسائل مورد مشاوره در این انجمن

عدل آلهی است که اعلیٰ ذرّوه قصر مشید
نظم اداری امرالله محسوب و باید در جوار
قبله اهل بهاء و مرکز روحانی آئین یزدانی
استقرار یابد»^۶

نظری کلی و اجمالی

به انجمن‌های شور روحانی بین‌المللی

در این مقاله برای احتراز از تکرار، جریان جاری و عمومی این انجمن‌های شور یکجا و یکبار ذکر می‌شود ولی مسائل و وقایع خاصی که به اقتضای زمان پیش آمده در زیر هر انجمن جداگانه آورده خواهد شد. اطلاعات مذکور در این نوشته بعضی بر اساس مشاهدات شخصی نگارنده است که یا به عنوان نماینده، و یا در زمره خادمین ارض اقدس افتخار حضور در بعضی از این انجمن‌ها داشته و بعضی دیگر مقتبس از مقالاتی است که در باره انجمن‌های شور روحانی بین‌المللی در مجلّات کتاب عالم بهائی انتشار یافته است.

نکته مهمی که در تمام گزارش‌های این انجمن‌ها دیده می‌شود اینست که در تمام آنها اوقات زیادی در برنامه برای زیارت اعتبار مقدّسه و اماکن متبرکه و دارالاثار بین‌المللی پیش بینی شده بود تا نمایندگان محافل فرصت کافی برای زیارت مقامات متبرکه و دعا و مناجات برای طلب تأیید در اجرای وظیفه مقدّس انتخاب بیت العدل اعظم داشته باشند. نکته دیگری که در تمام گزارشات آمده شور و هیجان شدید و احساس عمیق محبت و یگانگی بوده که در عین تنوع نمایندگان در بین آنان در تمام این انجمن‌ها مشهود بوده است.

ابدای رأی نمایندگان محافل در انجمن‌ها با تلاوت مناجات به زبان‌های مختلف همراه و در محیط روحانی و ساکت انجام گرفته و با آنکه تعداد نمایندگان در انجمن‌های مختلف متفاوت بوده ولی در اخذ آراء از روش یکسانی پیروی شده است بدین ترتیب که اسامی محافل ملی و ناحیه‌ای یک به یک به ترتیب حروف الفبا خوانده شده و نمایندگان حاضر به ابدای رأی پرداخته‌اند و اوراق رأی ارسال شده با پست هم در همان موقع بوسیله اعضای هیئت نظار در صندوق آراء قرار گرفته است بسیاری از محافل به سبب وضع خاص آنها یا به مناسبت موقّعیتهای چشمگیری که داشته‌اند با کف زدن‌های ممتد حاضرین یاد و یا استقبال می‌شدند.

نکته جالب و آموزنده‌ای که از تمام انجمن‌ها گزارش شده اینست که اعضای محافلی که به سبب موانع غیر قابل پیشگیری از شرکت در انجمن محروم بودند و نمایندگانی که به علل دیگر نتوانسته بودند شخصاً در انجمن حاضر شوند همه اوراق رأیشان را فرستاده بودند و انتخابات با شرکت اکثریت کامل منتخبین انجام گرفته است و ضمناً تعداد اوراق رأی که باطل تشخیص داده شده بسیار قلیل و در چند مورد که گزارش شده بین یک تا سه در هزار بوده است و این در حقیقت مراتب بلوغ اعضای محافل ملی و توجه آنان را به وظیفه مقدّس شرکت در انتخابات نشان می‌دهد.

باید دانست که سفر به ارض اقدس و حضور شخصی در انجمن برای همه نمایندگان

آسان نبوده و در مورد بعضی از آنان که از ممالک و جزایر دوردست می آمدند مستلزم فداکاری بسیار بوده است. نمایندگان بوده اند که برای نخستین بار از محل زندگی خود خارج شده و به چنین سفر طولانی مبادرت می کردند، بعضی دیگر ناگزیر بوده اند که با استفاده از وسائل مختلف سفری و گذشتن از چند مرزو مملکت ناشناخته و تحمل چندین روز سفر فرساینده خود را به حیفا برسانند و برخی هم توانسته بودند تنها با کمک مالی یاران بهائی محل خود که ساعات بیکاری و استراحتشان را به قصد تأمین مخارج سفر دوست نماینده خود به کارهای اضافی پرداخته بودند به این سفر اقدام نمایند.

تغییراتی که در عضویت بیت عدل در دوره های مختلف حاصل شده در ذیل هر یک از انجمن ها آمده ولی آنچه که بطور مشترک در تمام انجمن ها دیده شده ابراز مراتب تعظیم و تکریم بوده که در هر موردی از طرف نمایندگان با شور و هیجان فراوان نسبت به اعضای منتخب آن معهد اعلی انجام گرفته است.

دومین انجمن شور روحانی بین المللی برای انتخاب بیت العدل اعظم در سال ۱۹۶۸ از ۲۱ تا ۲۴ آپریل در حیفا تشکیل شد.

تعداد کل اعضای حائز شرایط برای شرکت در این انتخابات ۷۲۹ نفر، اعضای ۸۱ محفل ملی بود که در آن زمان در اقالیم مختلفه بهائی به خدمت قائم بودند.

نمایندگان محافل به دعوت بیت العدل اعظم اجازه داشتند که چند روز قبل از گشایش رسمی انجمن به ارض اقدس وارد شوند تا بتوانند وقت کافی برای زیارت مقامات مقدسه و دعا و مناجات داشته باشند.

جلسه رسمی انجمن در روز اول عید اعظم رضوان با بیانات امة البهآء روحیه خانم شروع

توانسته بودند تنها با کمک مالی یاران بهائی محل خود که ساعات بیکاری و استراحتشان را به قصد تأمین مخارج سفر دوست نماینده خود به کارهای اضافی پرداخته بودند به این سفر اقدام نمایند.

تغییراتی که در عضویت بیت عدل در دوره های مختلف حاصل شده در ذیل هر یک از انجمن ها آمده ولی آنچه که بطور مشترک در تمام انجمن ها دیده شده ابراز مراتب تعظیم و تکریم بوده که در هر موردی از طرف نمایندگان با شور و هیجان فراوان نسبت به اعضای منتخب آن معهد اعلی انجام گرفته است.

تنوع نمایندگان از زن و مرد، پیر و جوان، منسوب به نژادهای مختلف و با سوابق گوناگون و لباس های رنگارنگ یکی از مظاهر زیبا و بدیع تمام این انجمن ها و نشانه وحدت



شد و پس از آن ابدای رأی اعضای محافل ملی آغاز گردید که تا نیمه روز ادامه یافت و بعد از ظهر نمایندگان حاضر، در احتفال روز اول عید رضوان شرکت نمودند.

اعضای منتخب بیت عدل در این دوره عبارت بودند از جنابان:

ایموز.ای. گیسون، علی نخجوانی، هوشمند فتح اعظم، یان سمپل، چارلز ولکات، دیوید. هوفمن، ه. بورا کاولین، هیو. ای. چانس، دیوید روح.

در این انتخاب بجای دکتر لطف الله حکیم که به سبب کهنلت و ضعف بنیه تقاضای معافیت از عضویت بیت العدل نموده و استعفایشان مورد قبول معهد اعلی قرار گرفته بود دکتر روح انتخاب گردید.

در سه روز باقیمانده مطالبی که از طرف بیت العدل اعظم در باره پیشرفت امر مخصوصاً اهداف نقشه ۹ ساله برای مشورت تعیین شده بود به میدان مشاوره گذاشته شد در ابتدا بیان شد که برخلاف روش انجمن های شور روحانی ملی آن انجمن می توانست هر نوع پیشنهادی به بیت عدل بکند و لازم نبود پیشنهادات مورد تأیید و تصویب قرار می گرفت و همه آنها یادداشت شده مورد توجه بیت عدل واقع می شد.

از جمله مطالبی که در روزهای بعد مورد مشاوره قرار گرفتند خروج امر از مرحله مجهولیت، حیات جامعه بهائی و دخول افواج مؤمنین در ظل امر را می توان نام برد. اعضای محافلی که دارای اهداف مشترک بودند شبها معمولاً جلسات مشترک با هم داشتند.

در پایان انجمن جناب دکتر جیاکری با بیانات و نمایش اسلایدهای رنگی که مبین و نمایشگر پیشرفت های حاصل شده در پنج سال اول تشکیل بیت عدل بود حاضرین را مسرور ساختند.

انجمن شور روحانی بین المللی سوم در رضوان ۱۹۷۳ در ارض اقدس تشکیل شد که در آن ۱۶ نفر از حضرات ایادی امرالله، ۳۸ نفر از مشاورین قاره ای و ۴۱۲ نفر از اعضای محافل ملی از چهار گوشه جهان در آن گرد آمده بودند تنوع زبان، نژاد و فرهنگ نمایندگان جامعه جهانی بهائی در آن انجمن بسیار چشمگیر و جالب انظار بود.

انجمن شور سه روزه صبح روز نهم عید رضوان در تالار بت هاروف حیفا تشکیل شد و پس از تلاوت مناجات به زبان های مختلف ابتدا و جمع آوری آراء طبق روشی که بیان شد انجام گردید.

در این انتخاب ۱۱۳ محفل روحانی ملی و منطقه ای نام برده شد ۱۴ محفل روحانی ملی به علل غیر قابل پیشگیری نتوانسته بودند نماینده به انجمن اعزام نمایند ولی از هر یک از ۹۹ محفل باقیمانده لا اقل یک نماینده در انجمن حضور یافته بودند از ۵ محفل ملی کانادا، ایسلند، ایرلند، سوئیس و انگلیس تمام اعضای محفل حاضر بودند جمع آوری اوراق رأی ۱۰۱۷ نفر اعضای محافل ملی یک ساعت و نیم طول کشید آراء جمع شده بوسیله ۱۹ نفر اعضای هیئت نظار در بیت مبارک حضرت عبدالبهاء استخراج شد که تمام شب تا ساعاتی از روز بعد ادامه یافت و روز بعد نتیجه

عاشقان را سایه لطف بهاء بر سر فتاد

هوشمند فتح اعظم

روزن جان را به سوی آسمان بگشوده اند
راه اخگر را به بزم کهکشان بگشوده اند
کوه هستی خفته بود اینک به یمن نار عشق
آتشی افروختند آتشفشان بگشوده اند
خلوت میخانه را شوری نبود و جوشی
حالیاً مهر از شراب ارغوان بگشوده اند
جلوه در آئینه دل ناگهان دانی ز چیست؟
پرده از رخسار یاری بی نشان بگشوده اند
شام نومیدی سرآمد چادر ظلمت درید
کاین زمان تیغ سحر از خاوران بگشوده اند
عشقبازان رانده بودند از بهشت روی دوست
مژده باد اینک در باغ جنان بگشوده اند
تا گذار عاشق اندر کوی معشوق افتاد
خنده بر لب های یار مهربان بگشوده اند
رازم از پرده بیرون افتاد یاران همتی
مخزن اسرار بهر ارمغان بگشوده اند
عاقبت دیدی چه آسان آن کمانداران عشق
راه بر بستند بر ما و کمان بگشوده اند
تار شد دل از غبار تیره این خاکدان
مرغ باقی را نظر بر آشیان بگشوده اند
عاشقان را سایه لطف بهاء بر سر فتاد
شهر عشق ز ملک لا مکان بگشوده اند

انتخابات به شرح زیر اعلام و عضویت اعضای
قبل تثبیت گردید، جنابان:

علی نخجوانی، هوشمند فتح اعظم،
ایموزای. گیپسون، یان سمپل، دیوید. هوفمن،
چارلز ولکات، ه. بورا کاولین، دیوید روح،
هیوای. چانس.

از بشارات جالب این انجمن اینکه در
احتفال روز نهم عید رضوان امة البهآ روحیه
خانم جریان ایمان سلطان ساموا مالیتو
تانومافیلی دوم را به عنوان نخستین سلطانی که
به امر بهائی مؤمن گشته بود اعلان کردند و
نامه ای را که ایشان خطاب به بیت عدل
اعظم، حضرات ایادی، مشاورین و نمایندگان
سومین انجمن شور روحانی بین المللی نوشته
بودند قرائت نمودند که جواب آن از طرف
انجمن تهیه و پس از امضای اعضای بیت
عدل، ایادی امر، مشاورین و نمایندگان انجمن
برای تسلیم به ایشان در اختیار اعضای محفل
ملی ساموا قرار گرفت.^۷

از وقایع خاص این انجمن یکی هم دیدار
نمایندگان از قطعه زمینی در قوس کوه کرمل
بود که قرار بود مقر دائمی دارالتشريع در آن بنا
شود.

در روز دوازدهم عید رضوان احتفال
مخصوصی برای تجلیل صدمین سال نزول
کتاب مستطاب اقدس در حرم اقدس برگزار شد
در همان روز نمایندگان به زیارت بیت عبود و
اطاقتی که کتاب اقدس در آن نازل شده نائل
گشتند و انجمن با زیارت روضه مبارکه جمال
اقدس ابهی پایان پذیرفت. ■

دنباله دارد

معرفی کتاب

امیدها و نویده‌ها

به قلم دکتر شاپور راسخ
انتشارات نحل ۲۰۰۷

صالح مولوی نژاد

احتمال می‌رود کسی که به عنوان‌های این هیجده گفتار نظر افکند، آنها را موضوع‌ها و مطالب گوناگون، و احیاناً ناهمگون تصور کند، اما اگر با بینش وسیع بر آنها تأمل کند، ملاحظه خواهد کرد که همه، حول محور واحدی استوار است و هدفی واحد را پی‌گیری: آلام و مشکلات جامعه انسانی در عصر حاضر و درمان و راه حل این آلام و مشکلات بر اساس تعالیم امریهائی. اندیشه ژرف و هنر والای جناب دکتر راسخ سبب می‌شود که خواننده، حتی اگر گفتارها دارای عنوان نبوده، پیوستگی و هم‌بستگی مطالب را بفهمد و همه گفتارها را در حول محوری واحد احساس کند. به قول جناب فتح اعظم: «آقای دکتر راسخ آنها را... چون رشته‌های پرند و پرنیان به یکدیگر پیوند داده‌اند». (مقدمه، ص ۶)

در همان گفتار آغاز کتاب "زن و صلح" بعد از نقل دو قسمت از آثار حضرت عبدالبهاء در مورد خلُق و خوی زن که طبیعتاً صلح طلب و

کتاب *امیدها و نویده‌ها* که آن را "هدیه‌ای گرانقدر" گفته‌اند اخیراً توسط بنیاد نحل در اسپانیا نشر شده است (۲۱۷ صفحه شامل دو پیش‌گفتار و یک مقدمه، با یک CD از صدای گوینده گفتار). این کتاب مجموعه‌ای است از هیجده گفتار که جناب دکتر شاپور راسخ در رادیو "پیام دوست" ایراد کرده‌اند و پس از بازنگری خود ایشان، به معنی راستین کلام، به زینت طبع آراسته شده است (سپتامبر ۲۰۰۷) این هیجده گفتار، از موضوع "زن و صلح" آغاز می‌شود و با موضوع‌های متنوع و مهمی که در عصر کنونی در جامعه انسانی مطرح و مورد توجه خاص و عام است، از قبیل: "پیشرفت دموکراسی و شناسایی حقوق بشر"، تلفیق تمدن مادی با فرهنگ روحانی، خلع سلاح عمومی، تقلید و تعصب، شناسایی مقام و حقوق کودک، فقر و تعدیل معیشت... ادامه یافته و به موضوع بسیار مهم "تغییر بنیادی در اوضاع جهان" خاتمه می‌یابد.



مخالف جنگ و کشتار است، جناب دکتر راسخ به کوشش‌های مستمر زنان در دفاع از صلح، مروری اجمالی، اما گویا و مستند، نموده‌اند. این کوشش‌ها، چه در مقالات و کتاب‌هایی که زنان نوشته‌اند و چه در سازمان‌هایی که برپا ساخته‌اند، از سال‌های ۱۸۸۹ پی‌گیر شده به نام زنان صلح نوبل نائل آمده‌اند اشاره شده است.

در میان همه این زنان، شاید نام هانا آرنٹ را کمتر شنیده باشیم، فیلسوفی که سرچشمه سیاست‌های مطلقه و کشتارگر را مکشوف ساخت، سیاست‌هایی که ریشه در اندیشه‌های فیلسوف دیوانه‌ای به نام فردریک نیچه (۱۸۴۴-۱۹۰۰) و واگنر و قبل از آن دو، ماکیاوول داشت.

امیدها و نویدها کتابی است که اساس تعالیم حضرت بهاء‌الله را برای ایجاد تحول جوهر انسانی و سیر به سوی یگانگی و ایجاد تمدنی که در تعالیم همه ادیان به آن بشارت داده شده و در اندیشه متفکران انسان‌دوست راه یافته نشان می‌دهد و علل گند شدن سیر جامعه انسانی را در حرکت به سوی این هدف والا که علت غائی ایجاد آفرینش است به روشنی بازگو می‌کند، به نحوی که برای هیچ اندیشه‌مند منصفی جا و مجال انکار باقی نمی‌گذارد.

از مشخصه‌های ارزشمند این کتاب، یکی این است که، با آرامش خیال، آن را می‌توان به غیر بهائیان حقیقت‌جو هدیه نمود، مخصوصاً غیر بهائیان از طبقه روشن اندیش که در سال‌های اخیر شهادت اخلاقی و جرأت آن را یافته‌اند که در باره دیانت بهائی سخن بگویند یا کتاب و مقاله بنویسند، و اگر دفاع نمی‌کنند، لا اقل برخی حقایق را در رابطه با آئین بهائی انتشار می‌دهند.

همیشان درخور تقدیر است. از یاد نباید برد که تا همین سال‌های اخیر بسیاری از مدعیان روشنگری، در زبان و بیانشان حتی تلفظ کلمه "بهائی" با لکت و لرزش همراه بود. اما اکنون بسیاری مردان و زنانی که وقتی می‌بینند و یا می‌شنوند که تاریخ اندیشان متعصب چه ستمی بر بهائیان روا داشته و می‌دارند، و یا چه اتهاماتی بی‌اساس بر آئین بهائی روا می‌دارند، صدایشان- و گاه فریادشان- بلند شده دین خود را به "حقیقت" و به "وجدان خود" ادا می‌کنند و این نشانه هر محقق منصفی است.

پیش‌گفتاری که جناب فتح‌اعظم بر این کتاب نوشته‌اند (صص ۶-۱۷) خود کتابی است در مقاله‌ای- مقاله‌ای شیوا و استوار که شامل مسائلی اساسی در مورد امر الهی است. ایشان با اشاره به گفتار ششم *امیدها و نویدها* که به بحث در تلفیق تمدن مادی با فرهنگ روحانی اختصاص یافته است (ص ۷۰) از جمله یادآور شده‌اند که دورافتادن دین از سیر سریع عمده به علت درک نادرست بشر معاصر از معنی حقیقی دین یا دین حقیقی است و نوشته‌اند: عامه مردم دین را مجموعه‌ای از مناسک و اوراد و آدابی می‌دانند که از پدرانشان به ارث برده‌اند... و هر قومی با تعصب به آن پای‌بند است!! و همین بلاگریبان مردم جهان و بالاخص مردم ایران- زادگاه امر بهائی را گرفته، سبب شده که «مردم ایران، جز معدودی از اهل انصاف، در بند آن نیستند که از حقیقت این نهضت عظیم که از کشورشان برخاسته و در دل و جان چند میلیون از مردم جهان نشسته، فی‌الجمله اطلاعی یابند».

سپس، چون کتاب *امیدها و نویدها* تنها مخاطبان بهائی را در نظر نداشته، بلکه به ایرانیان

دنباله بر جامعه بهائی ایران... از صفحه ۲۲

دستگیری سه تن از احباء

۶- آخرین خبر آنکه روز یکشنبه ۹ مارچ برابر ۱۹ اسفند ماه آقای تورج امینی، برادر ایشان ایرج امینی و نیز آقای پیام عموی دستگیر و به محل نامعلومی برده شده‌اند. تورج امینی مؤلف کتاب ارزشمند "اسنادی از زردشتیان ایران" است و مطالعات فراوانی در تاریخ معاصر امر در ایران دارد. هم‌زمان در بشرویه نیز آقای هوشنگ اشراقی دستگیر شده است.

چند روز بعد آقایان ایرج امینی و پیام عموی با گرفتن وثیقه تا محاکمه نهائی آزاد شدند ولی آقای تورج امینی هنوز در بازداشت است.

تمام شواهد حاکی از آنست که این اقدامات در آینده نیز با شدت بیشتری ادامه خواهد یافت.

*

شعری از شاعر خوش قریحه بهاء‌الدین محمد عبدی مناسب حال است. این دو بیت را ایشان پس از قرائت پیام بیت عدل اعظم به احبای ایران مورخ ۲۵ دسامبر ۲۰۰۷ سروده‌اند:

بهار ما

بهار می‌رسد از ره، ولی مبین ما را
به دل هوای گل و نرگس شکوفا را
بهار ما بود آن دم که بیکی از ایران
دهد بشارت آزادی احباء را ■

صاحب انصاف و جویای حقیقت نیز توجه داشته، جناب فتح اعظم به تشریح هدف دیانت بهائی پرداخته‌اند که محور تعالیم حضرت بهاء‌الله "وحدت عالم انسانی" است و سپس، مشخصه‌های جهان کنونی را، و عوامل مؤثر در فراهم ساختن این وحدت را، توضیح داده‌اند که چگونه جهانی که مقارن ظهور حضرت بهاء‌الله در پنجه ملّت‌گرایی مقهور بود، به تدریج مخصوصاً بر اثر دو جنگ جهانی در قرن بیستم، زمینه ارتباطات و مقدمات تحقق یافتن وحدت عالم انسانی فراهم شده است. چاپ این کتاب علاوه بر محتوای غنی و آموزنده آن به ظاهر نیز زیبا و فاخر است. سلیقه و همت بنیاد نحل قابل تقدیر است. تایپ و آرایش کتاب حکایت از سلیقه‌ای همراه با ایمان و دل‌بستگی همه دست‌اندرکاران این بنیاد می‌کند. بنیادی که مؤسس آن جناب منوچهر حجازی شاعر و هنرمند فقید علیه رضوان‌الله بود و هدف آن بسط و انتشار امر الهی از طریق آثار هنری و کتب نفیس و ارزشمند است. در تایپ متن کتاب لغزشی ملاحظه نشد تنها در داخل جلد که بنیاد نحل معرفی شده یک بیت شعر ملاحظه می‌شود:

پا از گلیم خویش بدر برده‌ام ولی

امیدوارم از کرمش عفو ما مضمی

وزن دوم معیوب است و به احتمال باید چنین باشد: امید دارم از کرمش عفو ما مضمی و یا: دارم امید از کرمش عفو ما مضمی.

بنیاد نحل آثار دیگری نیز منتشر کرده است از جمله دو جلد کتاب یک ساعت تفکر اثر گرانقدر جناب هوشمند فتح اعظم که امیدواریم به آنها دست یابیم و به خوانندگان عزیز پیام بهائی معرفی کنیم. ■

بانویی برگزیده، طاهره راسخ (رادپور)

مؤمن به امر جمال ابهئی در سال ۱۹۱۴ میلادی در طهران تولد یافت پس از اتمام تحصیلات مقدماتی در مدرسه تربیت بنات و تحصیلات متوسطه در مدرسه امریکایی به سال ۱۹۲۹ به رسم دختران آن روزگار که زود ازدواج می کردند به خانه شوهر رفت اما هم از او جوانی نه فقط به کسب معارف امری کوشید بلکه در خدمت در



در جامعه زنان ایران، چهره های درخشان در دوره حضرت ولی امرالله (عصر تکوین) کمیاب نبوده اند هنگامی که آن حضرت موافقت فرمودند که زنان ایران علاوه بر حق انتخاب کردن، حق انتخاب شدن به عضویت محافل روحانی را داشته باشند (۱۹۵۴) چهار بانوی برگزیده در صف مقدم انتخاب شدگان قرار

گرفتند: میس شارپ معلمه امریکایی که سال ها همراه مادر ارجمندش در ایران مصدر خدمت بود، خانم روح انگیز فتح اعظم، خانم بهبه نادری که بعداً به مقام والای شهادت دست یافت و خانم طاهره رادپور که هر چهار دفتر عصر تکوین را به خطوط زرین آراستند. طاهره خانم راسخ (رادپور) در خانواده ای

تشکیلات نیز دریغ نداشت و در کمیسیون ها و لجنه های جوانان فعالانه مشارکت کرد و به سهم خود از تأییدات الهی بهره مند شد. برای تحقق بخشیدن به پیشرفت دختران و بانوان بسیار کوشا و ساعی بود و از این روزها افتخار عضویت لجنه های محلی و ملی ترقی نسوان را حائز شد. گفتنی است که در آغاز

زناشویی ناچار شد در شهر متعصب و در بسته قم سکونت گیرند و با خانواده شوهری که مسلمان بودند رفت و آمد و آمیزش کند اما اینها مانع از آن نشد که هم ایمان و هم بینش امروزی خود را نگاه دارد و در عین حال مورد احترام همگان باشد.

مشارالیه‌ها چنان که اشارت رفت در شمار اولین خانم‌هایی بود که پس از صدور اجازه و امر حضرت ولی‌ امرالله به مشارکت خانم‌ها در محافل مقدسه روحانی، در سال ۱۹۵۵ به عضویت محفل روحانی طهران انتخاب شد و در دو نوبت به مدت ده سال خدمت کرد. در دوره دوم عضویت که به سال ۱۹۶۹ پایان گرفت مدت هفت سال به سمت منشی محفل روحانی طهران که بزرگترین جامعه بهائی جهان را تحت اشراف داشت انتخاب شد و به کمال جدیت و صمیمیت ایفای وظیفه کرد تا بدانجا که تقدیر نامه‌های متعدد از محفل مقدس ملی ایران و نیز محفل روحانی طهران خطاب به ایشان صادر شد. جناب دکتر ایرج ایمن که چندی در تشکیلات انتخابی و بعد در تشکیلات انتصابی مصدر خدمت بوده‌اند در مورد خدمات امری خانم رادپور چنین می‌نویسند:

«خدمات بعضی از یاران الهی که با کاردانی و لیاقتی تحسین‌آمیز و با فروتنی و بدون تظاهر در مؤسسات و مشروعات امری انجام وظیفه می‌کنند غالباً ناشناخته می‌ماند. از جمله این نفوس نفیس و خادمان لایق و فداکار امر الهی در ایران طاهره خانم راسخ (رادپور) با آنکه در چند دوره از زندگی به سبب روابط

خانوادگی و نزدیک بودن خانه‌هایمان با ایشان آشنایی نزدیک داشتم و شاهد موفقیت‌های کم نظیرشان در انواع خدمات امری بودم هرگز به توانایی شگفت‌انگیزی که در تصدی مسئولیت‌ها و وظائف سنگین در اداره امور امری داشتند پی نبرده بودم تا زمانی که بدون استحقاق، به عضویت در محفل روحانی طهران انتخاب شدم و طاهره خانم منشی محفل بودند و به راستی یک تنه بار سنگین امور اداری محفل و دفتر محفل طهران را بر عهده داشتند. در آن زمان جمعیت بهائی طهران متجاوز از شصت هزار نفر بود و تشکیلات وسیعی برای تبلیغ و تربیت امری و رفع مشکلات و اختلافات بین افراد و توجه به مسافری و نگاهداری از سالمندان و ناتوانان و تشکیلات وسیع جوانان بهائی و بسیاری امور امری دیگر در تحت اشراف محفل قرار داشت. در عین حال جامعه بهائی دچار انواع محدودیت‌ها و مخالفت‌ها و تضییقات هم بود بنا بر این نظارت بر چنین تشکیلات و امور جاری چنین جامعه‌ای بیش از کار تمام وقت یک فرد به نظر می‌رسید. مثلاً محفل روحانی هفته‌ای سه شب جلسه عادی و غالباً یک جلسه فوق‌العاده داشت و تقریباً هفته‌ای پانصد نامه صادر می‌شد و از حدود شصت لجنه و هیئت، خلاصه مذاکرات هفتگی می‌رسید که قرار بود مطالب مهم و لازم آنها به اطلاع محفل برسد. در آن زمان هنوز وسائل الکترونیکی امروزی وجود نداشت و به سبب تضییقات موجود استفاده از وسائط مخابراتی هم همیشه میسر نبود. علاوه بر تمام این قبیل

امور، افراد احباء نیز پیوسته برای مسائل مختلفی که با محفل داشتند با تلفن یا حضوری به منشی محفل مراجعه می‌کردند.

کارمندان دفتر محفل علاوه بر منشی شامل یک نفر ماشین نویس و یک نفر نامه‌رسان و یک حسابدار نیمه وقت بود. طاهره خانم علاوه بر اداره خانه و خانواده، این خدمت طاقت فرسا را داوطلبانه و بدون دریافت حقوق و مقرری به مدت طولانی تا زمانی که ایران را به قصد اقامت در امریکا ترک کردند بر عهده داشتند.

آنچه مایه شگفتی می‌شد این بود که درگیر و دار تمام این مشاغل و گرفتاری‌ها، طاهره خانم همواره با آرامی و تبسم و مهربانی با مراجعین برخورد می‌کردند مثل اینکه فرصت کافی دارند و با علاقه و تفاهم و محبت با ملاقات‌کنندگان گفتگو می‌کردند. هرگز شنیده نشد که فردی از مراجعه‌کنندگان از نحوه برخورد و پاسخ ایشان کله و شکایتی داشته باشد. آنچه در این مختصر ذکر شد بدون مبالغه است و فقط گوشه‌ای از میزان و نحوه خدمتگزاری طاهره خانم را ارائه می‌دهد، این نکته گفتنی است که خانم رادپور در سال ۱۹۵۵ وقتی غائله فلسفی واعظ برخاست عضو محفل روحانی طهران بودند و تنها کسانی که در آن زمان در سمت مسئول در تشکیلات بهائی طهران و ایران خدمت می‌کرده‌اند می‌دانند که اعضای محفل روحانی طهران در چه شرایط دشواری به تمثیت امور جامعه می‌پرداختند».

باری خانم رادپور در سال ۱۹۶۹ برای

امثال امر بیت العدل اعظم الهی جهت مهاجرت احبای ایران و تشتت آنان در اقطار جهان، با خانواده به امریکا عزیمت کردند و در امریکا نیز سال‌ها عضو محفل روحانی بالتیمور و بعداً چاتانوگا بودند و وقتی محفل روحانی ملی امریکا خواست اولین لجنه امور احبای ایرانی و امریکایی را انتخاب کند (۱۹۷۹) ایشان هم به این خدمت گماشته شدند و مدت سه سال در آن لجنه مجدداً به ایفای وظائف کوشیدند و تجربیات عمیق و وسیع خود را با احبای ایران در اختیار لجنه نهادند. باید اضافه کرد که هنگام اقامت در ایران هم خانم رادپور از اندیشه مهاجرت غافل نبود و به همین جهت در ابتدای نقشه چهل و پنج ماهه احبای مهد امرالله ایشان به شهر بسیار متعصب محلات که بخشی از آن شیعی مذهبی و بخشی دیگر اسمعیلی بودند با فرزندان خود و بدون همسرا که از نظر شغلی ناچار بود در طهران بماند، عزیمت کردند.

مخالفت مردم محلی با مهاجران محلی بسیار شدید بود و حتی هنگامی که خانم‌های بهائی به حمام عمومی رفته بودند جمعیتی با سلاح‌های سرد (داس و تیشه) به آن سمت روی آوردند که بهائیان را از دم تیغ بی‌دریغ بگذرانند و طاهره خانم بدون ترس و واهمه از گرمابه بیرون آمد و به صدای بلند اعلام کرد که به ژاندارمری شکایت خواهد برد و از میان جمعیت دشمن راه خود را به ژاندارمری باز کرد و چنان که می‌توان حدس زد ژاندارمری اقدامی در این مورد نکرد و خانواده‌های بهائی مجبور به مراجعت به اوطان خود شدند. در همین

محلات بود که توده مردم در روز ۱۵ شعبان به جناب فؤاد احمدپور که در دسترس آنان بود حمله بردند و وی را شدیداً مجروح کردند و جسد نیمه جانش را به در خانه خانم رادپور انداختند و اگر حسن تدبیر خانم رادپور و استمداد فوریشان از طهران برای ارسال آمبولانس و پرستار و دکتر نبود بی گمان جناب فؤاد احمدپور جان سالم از آن معرکه بدر نمی برد.

در امریکا - چاتانوگا - خانم رادپور مورد محبت و احترام نفوس اعم از بهائی و غیر بهائی بود حتی دوستان صمیمی غیر بهائی ایشان بودند که برای ایشان جشنی به مناسبت نود سالگی ترتیب دادند و نامبرده را که منتظر چنین مجلسی نبود به محل موعود بردند و هلهله شادی سر دادند. از ایشان چهار فرزند^۱ ۱۱ نوه و ۱۹ نتیجه بر جای مانده که همه بر اثر انفاس طیبه ایشان مؤمن به امر مبارک و بعضاً مصدر خدمات ارزنده هستند.

بیت العدل اعظم الهی طی مکتوب مورخ ۱۷ ژانویه ۲۰۰۸ که چهار روز بعد از صعود طاهره خانم رادپور عز صدور یافته ضمن اظهار حزن و تأسف از درگذشت ایشان نامبرده را به عنوان کنیز ممتاز جمال اقدس ابهی که خدمات مخلصانه اش به امر الهی در طول زمان به یاد خواهد ماند توصیف فرموده اند و آرزو کرده اند که سرمشق این خانم برای همه کسانی که از ایشان اثرات مطلوبی دریافت کرده اند پایدار بماند.

محفل روحانی ملی بهائیان امریکا نیز در پیام مورخ ۱۸ ژانویه خود خانم طاهره راسخ

(رادپور) را شخصیتی قوی و استوار که قلبی مهربان، گرم و بخشنده داشته وصف کرده اند و مرقوم داشته اند که خانم رادپور آنقدر قدرت و کفایت داشت که تأثیر و نفوذ مادرانه خود را بر فرزندان محبوب خود بسط دهد و شامل حال همه جامعه بهائی و نفوسی کند که با ایشان برخورد داشتند.

در همان مکتوب محفل مقدس ملی امریکا یادآور شده اند که خانم رادپور در ایران در شمار نخستین بانوانی بود که به عضویت محافل روحانی انتخاب شد و در امریکا هم با صلاحیت و لیاقت مدت سه سال عضویت اولین لجنه امور احبای ایرانی را داشت و مانند سایر اعضاء در خدمت و جذب و جلب هزاران نفوسی که تازه از ایران رسیده و از تضییقات مذهبی در وطن خود گریخته بودند در جامعه بهائیان امریکا اهتمام نمود.

در سوگ آن بانوی برگزیده نامه های فراوان از دوست و آشنا از سراسر جهان رسیده است محافل تذکر ایشان در چاتانوگا (۱۹ ژانویه) و در ارگون (۱۳ فوریه) به شایستگی و زیبایی برگزار شد و چنانکه آرزوی ایشان بود بسیاری از دوستان تبرعاتی به صندوق های مختلفه امری به نام و یا به یاد ایشان اهدا نمودند، روح آن بانوی ممتاز در ملکوت بی نیاز پر فتوح باد. ■

یادداشت ها

- ۱- جناب حسین رادپور سال ها قبل تصدیق امر مبارک را کرده بودند.
- ۲- دختر بزرگشان پریدخت رادپور (جباری) چند سال قبل صعود کرده است.

از گلخن فانی به گلشن باقی

مشغولند.

این وجود خادم، طی طریق مهاجرت را در نقشه ۴۵ ماهه ایران آغاز کردند و تا آخر عمر طهران را برای سکونت دائمی اختیار نکردند. بلکه به بیش از ۲۰ منطقه مختلف در ایران اول همراه با اعضای خانواده خود و بعداً به صورت انفرادی مهاجرت کردند و کمر به خدمت در تعلیم و تربیت اطفال و بزرگسالان و تشکیل محافل محلی بستند و موجب تأسیس کلاس‌های امری و غیر امری برای اطفال در منطقه‌های مهاجرتی شدند.

این وجود عزیز که در ناحیه کاشان به مدیر بابی معروف بودند در همان زمانی که مخالفین امرالله جناب دکتر سلیمان برجیس را به شهادت رساندند به سراغ ایشان آمدند تا این موهبت را شامل حالشان بکنند.

ایشان با جناب خلیل تأیید مورد ضرب و جرح در تمام بدن شدند و به حالت بی‌هوشی افتادند. احباء توانستند ایشان را مخفیانه به بیمارستان کاشان انتقال دهند ولی مخالفین مانع بستری کردن ایشان شدند، لذا صبح مدیر بیمارستان ایشان را اخراج کرده و در گوشه



آقا جان امینیان

جناب آقا جان امینیان در سال ۱۹۱۶ در کاشان در خانواده بهائی به دنیا آمد. پس از تحصیلات ابتدائی، در مدرسه توکل بنین قزوین که تحت نظر احباء اداره می‌شد ادامه تحصیل دادند و در ضمن معارف امری را در ظلّ مراسم جناب واعظی و جناب هزاری کسب کردند.

در سن ۱۶ سالگی میل شدیدی به تعلیم و تربیت امری اطفال نشان دادند که از طرف محفل روحانی محلی قزوین به این خدمت مفتخر شدند. در سال ۱۹۳۷ با خانم منیژه الیاسیه ازدواج کردند. و صاحب ۷ فرزند شدند که تمام آنها در ظلّ امر جمال قدم به خدمت

خیابان رها کردند. این شهید زنده پس از بهبودی به منطقه مازندران مهاجرت کردند و به خدمت در آن ناحیه ادامه دادند و در آن ایام بود که حظائر قدس ایران در شهرستانها اشغال شد (۱۳۳۵ شمسی، سال تحریکات فلسفی) لذا ایشان با فامیل از محل اخراج شدند و پس از مدتی کم به منطقه دیگری در ناحیه مازندران هجرت کردند ساکنان محل بسیار مغرض بودند بحدی که در سلمانی، مغازه‌های اغذیه و حمام را به روی این فامیل بستند در همه حال باید گفت که آقا جان عزیز شاکر جمال کبریا بودند و روز به روز محبتشان به روی ساکنین این محل افزوده می شد.

بدین نحو مدت ۵۰ سال به خدمت به مهاجرت داخلی نائل شدند و صدها طفل و نوجوان و جوان و بزرگسال در کلاس‌های تعلیم و تربیت و معارف امری و غیر امری (سواد آموزی) ایشان بهره‌مند شدند. سال‌های آخر عمر عزیزشان را در ناحیه فردیس کرج بسر بردند تا در ۲۴ ماه سپتامبر ۲۰۰۷ به ملکوت ابهی صعود کردند. روحشان شاد باد.



ابراهیم حمیدی

روان جناب ابراهیم حمیدی در تابستان

۱۶۴ بدیع به سن هشتاد در کمال سکون و اخلاص به عالم بقاء عروج نمود.

او از نواده‌های ملا هادی از مؤمنین عهد ابهی است. والدش علی مفتون جمال ابهی بود چنان که جذبه و شوق و ثبوت و ایمانش زبانزد اهالی وادقان و اطراف است. علی روز و شب در تلاش هدیه ملکوت جاودانی به آشنا و بیگانه بود. چون دعای سحر و قهرآن را از حفظ داشت دعوت او دلچسب‌تر بود.

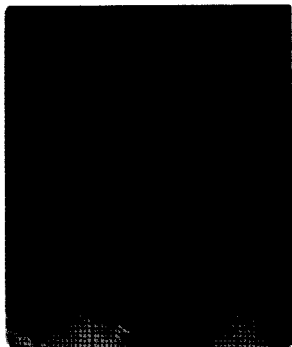
ابراهیم علوم اسلامی، عربی و قهرآن را نزد پدرش در حین اشتغال به دامداری و کشاورزی فرا گرفت. بسیاری از الواح و مناجات‌های صادره از کلک گهربار طلعات مقدسه را در حفظ داشت به علاوه آثار ادبای بنام و افکار خود را در قالب سرودهای این بزرگان بیان می کرد بطوری که به مذاق شنونده خوش آید.

در سن بیست و پنج سالگی با رخشنده خانم فرزند علی از مؤمنین عهد ابهی ازدواج کرد. این زوج ساکن یحیی آباد مرزعه فاقد تسهیلات در بیست کیلومتری وادقان شد و به سبک قدیم به دامپروری، کشاورزی و قالی بافی مشغول شدند به علاوه که معلم ابتدائی فرزندان خود و سائرین نیز بودند. بدین شیوه هشت فرزند این خانواده موفق به تحصیلات عالی شدند که اکنون در پنج قاره پراکنده‌اند.

ابراهیم هرگز راضی به ترک یحیی آباد وادقان نبود بل همیشه در فکر عمران و تعلیم اهالی و بیداری افکار عمومی بود. به نوشته خود او: «... در سال اول انقلاب از ده آمدند و کتاب‌های ما را بردند. قدری اذیت کردند. بچه‌ها خیلی می ترسیدند. در پس اطاق مخفی

شرکت در کلاس‌های امری، تبلیغی و کلاس‌های تابستانه که در شیراز تشکیل می‌گردید از حضور فضیلتی امرکسب فیض می‌کرد.

خانم سلمان‌پور بسیار گشاده‌رو و خوش برخورد و با همه مهربان بود و در مقابله با مشکلات، اسطوره مقاومت و ایثار و رضایت و این خصوصیت اخلاقی را پس از انقلاب اخیر ایران به خوبی به اثبات رسانید با وجود اینکه حقوق بازنشستگی ایشان را پس از سالیان متمادی خدمت صادقانه به فرهنگ مملکت قطع نمودند و قسمتی از خانه مسکونی موروثی و قطعه زمین متعلق به ایشان مصادره شد همه این مشکلات را با استقامت و رضای کامل و با آغوش باز و لبی خندان تحمل نمود. یاد خواهر عزیزمان همیشه در قلب ماست، روانش در ملکوت الهی شاد باد.



عزّت حیاتی

خانم عزّت حیاتی در شهرکی نزدیک اصفهان در پنجم ماه مه ۱۹۳۶ تولد یافت و در طهران رشد و نما کرد پدر و مادر او بهائی بودند

می‌شدند، ما به طهران آمدم. زندگی ما را آنجا صاحب شدند فروختند و هیچ بهره‌ای به ما ندادند».

ابراهیم دوستی شفیق و با وفا، پدری بسیار مهربان و پرايثار و نمونه فداکاری بود، جایش بسیار خالی است، روحش شاد باد.



ملیحه سلمان‌پور

خانم ملیحه سلمان‌پور فرزند حسام‌الدین از نواده‌های شیخ سلمان معروف به پیک رحمان در تاریخ ۳۰ جون ۲۰۰۶ مطابق ۹ تیر ماه ۱۳۸۵ در شهر شیراز زادگاه خود چشم از این جهان بریست و روح پاکش به ملکوت ابهیی صعود نمود و قلب فامیل و دوستانش را جریحه‌دار نمود.

ملیحه سلمان‌پور در سال ۱۹۲۵ میلادی چشم به جهان گشود و پس از اخذ لیسانس در رشته زبان انگلیسی با خلوص نیت به تدریس در دبیرستان‌های شیراز مشغول انجام وظیفه گردید.

ایشان در تمام طول حیات پربار خویش با عشق و محبت خستگی ناپذیر به خدمات امری مشغول بود و در ایام جوانی بطور مرتب با

مدرسه تابستانه به زبان فارسی در اسپانیا

مدرسه تابستانه سال جاری به زبان فارسی در اسپانیا
از تاریخ ۲۱ الی ۲۷ ژوئیه ۲۰۰۸ در لیریا تشکیل خواهد شد.

برای اطفال و نوجوانان برنامه مخصوص در نظر گرفته شده است.
هزینه: برای هر نفر: ۱۰۸ یورو. (از نفر سوم خانواده ۷۲ یورو)

نام نویسی و رزرو جا: از یاران عزیز خواهشمندیم که به منظور رزرو جا اول با خانم مینوسکوت
(تلفن: ۹۶۴۲۱۶۳۶۶) تماس گرفته و سپس وجه نام نویسی را با قید نام متقاضی به حساب زیر
واریز نمایند.

بانک: BBVA

در وجه: COMUNIDAD BAHÁ'Í DE ESPAÑA

(Mino Sokout)

شماره حساب برای پرداخت از هر نقطه اسپانیا: 0182-0541-06-020-1529300

پرداخت از خارج از اسپانیا:

SWIFT: BBVA ES MM XXX

IBAN: ES18 0182 0541 0602 0152 9300

پسرانش مدتی در پاکستان زیست و بعد در سال
۱۹۸۹ ساکن سوئیس شد. چند ماه قبل از
صعود به عالم بقا توانست به زیارت ارض
مقصود فائز گردد و این آرزوی دیرین و شیرین
خود را برآورده سازد. خانواده شریف و دوستان
ایشان همیشه مهربانی‌ها و قدرت تحمّل در
مشکلات را که در وجود آن بانوی عزیز مجسم
بود بخاطر خواهند داشت.

پیام بهائی به فرزندان ایشان: منوچهر، پرویز،
بهروز و بهزاد و خانم‌های آنان: شهلا، ویدا، لرد
و کتایون تسلیت می‌گویند و بقای آنان و ۵ نوه
ایشان را خواستار است. ■

و او دو برادر و خواهرش را در فضای ایمان و
احترام به مقدّسات بار آوردند ایشان در سال
۱۹۵۱ با آقای سید محمود که تازه تصدیق امر
مبارک را کرده بود ازدواج کرد و از این پیوند
فرخنده چهار پسر متولد شدند.

خانم عزت حیاتی هنوز چهل سال بیش
نداشت که همسر عزیز خود را پس از یک
بیماری طولانی از دست داد، وی از ازدواج
مجدد صرف‌نظر کرد و همه نیروی خود را در
خدمت و راحت و تربیت فرزندان خود گذاشت.
وی در اوضاع دشواری که بر احبّاء پیش
آمد ایران را ناچار ترک گفت و با یکی از

نامه های خوانندگان

میهمانان ناخواننده اینترنتی

• یکی از خوانندگان ما که تقاضا کرده اند نامشان محفوظ بماند مرقوم داشته اند:

با شیوع کاربرد کامپیوتر و دسترسی به ئی-میل و اینترنت، که اینک تقریباً در دسترس همگان قرار دارد، دریافت مقدار زیادی ئی میل های گوناگون از افراد مختلف و حتی ناشناس در دست آفرین شده است. اینگونه نامه ها نه تنها وقت فراوان برای خواندن می خواهد بلکه گاه حجم بزرگ برخی از آنها کامپیوتر را از کار می اندازد. عجیب آنست که هر کس این انبوه ئی میل را دریافت می دارد گویی وظیفه خود می داند آن را فوراً برای ده ها نفر دیگر نیز ارسال دارد و همه اینها بدون پرسش و اجازه قبلی. در نتیجه شخص ممکن است یک ئی میل را در ظرف چند روز از چندین منبع دریافت دارد. در میان این ئی میل ها انواع و اقسام مطالب به چشم می خورد مثل فیلی که روی خرطوم خود می ایستد و یا مجسمه هایی از یخ ساخته شده در یکی از شهرهای قطبی روسیه، یا بحثی سیاسی و رقص چینی و فیلمی از مراسم عروسی در یک قبیله آفریقایی در You Tube، و غیره و غیره.

البته ارسال این مطالب روی حسن نیت و حاکی از علاقه فرستنده به آگاهی دیگران از چیزی تازه و جالب حکایت می کند. ولی دیدن این همه مطلب اگر برای افراد بازنشسته و بی کار مشغول کننده باشد، برای کسانی که از کامپیوتر برای کارشان استفاده می کنند ملال آور است.

نگارنده که نمی خواهد با نگاشتن نامه ای، که مرا از دریافت ئی میل معاف دارند، دل کسی را بیازارد، معمولاً چنین ئی میل هایی را بدون خواندن حذف می کنم. ولی این روش نه تنها وقت می گیرد بلکه گاه مطالب مهم و لازم نیز به اشتباه حذف می گردد. البته این امر مشکلی عام است و مخصوص جامعه بهائی نیست، ولی بیش از آنکه معرف علاقه فرستنده نامه به دریافت کننده آن باشد ناشی از عدم آگاهی از لزوم رعایت وقت و زندگانی فردی و خصوصی افراد و یا فرهنگ به کار بردن کامپیوتر است.

اما آنچه تکرارش در جامعه بهائی نگران کننده است ارسال وسیع پیام های بیت عدل اعظم و اخبار رسمی و نیمه رسمی جامعه، مخصوصاً وقایع ایران، به این آن است

که حتی پیش از آنکه از منابع رسمی امری تأیید شود به دست امواج اثری برق در یک لحظه در سراسر عالم منتشر می‌گردد.

باید دانست که نامهٔ اینترنتی چیزی محرمانه مانند نامهٔ سرپسته بین دو دوست نیست. وقتی با یک تکه ارسال شد هر کس می‌تواند در هر نقطهٔ جهان با اندک کوششی آن را بیابد و بخواند. آیا اینکه نشانی ای-میل هزاران نفر از احباء هر روز از طریق اینترنت در عالم نشر شود، و یا اخبار و عکس‌های تأیید نشدهٔ جامعه اینگونه اینجا و آنجا برود در وضع کنونی با حکمت و حزم مقرون است؟

موضوع دیگر سایت‌هایی است که توسط برخی از احباء اداره می‌شود. درست است که جامعه هیچ دخالت و مسئولیتی در این سایت‌ها ندارد ولی برای یک غیربهاثی چنین سایتی معرّف رسمی جامعهٔ ما است. در این سایت‌ها انواع و اقسام اخبار مربوط به ایران درج می‌شود و یا نظریاتی در مقالات می‌آید که غیربهاثیان تصور می‌کنند نظر رسمی جامعه است. ای کاش کسانی که مسئول این سایت‌ها هستند قدری پختگی و درایت از خود نشان دهند و بی‌گدار هر چه به دستشان می‌رسد به سایتی که نام بهاثی دارد وارد نسازند.

یادی از روز اوّل رضوان

شصت سال پیش

خواننده‌ای که نامهٔ خود را "جوان دیروزی" امضاء کرده‌اند خاطراتی از اوّلین روز نوروز و عید رضوان را در طهران شصت سال پیش فرستاده‌اند که چون از ارزش تاریخی بی‌بهره

نیست در اینجا می‌آوریم:

روزهای اوّل رضوان و اوّل نوروز حظیرهٔ القدس ملّی صفا و جلوهٔ دیگری داشت. آن زمان اتومبیل شخصی و تاکسی به صورت امروز وجود نداشت. احباء با یکی دو اتوبوس که از جلوی حظیرهٔ القدس می‌گذشت و یا با درشکه و پیاده از آغاز صبح گروه گروه خود را به آنجا می‌رساندند. باغ حظیرهٔ القدس غرق شکوفه‌های بهاری، خیابان‌های آن آب‌پاشی شده، و هوای مطبوع بهاری مست کننده بود. درب بزرگ حظیرهٔ القدس بر روی همگان باز بود و گاه غیربهاثیانی که از خیابان عبور می‌کردند نیز وارد جمع بهاثیان می‌شدند و فرقی احساس نمی‌شد. احباء از زن و مرد، کودک و بزرگ، پیر و جوان با صورت‌های شاد عید را به یکدیگر تبریک می‌گفتند. روی چند میز بساط چای و شیرینی گسترده بود و اغلب همانجا دید و بازدید نوروزی انجام می‌گرفت. در گوشه و کنار میزهایی برای فروش کتاب گذارده بودند. هیأت ارتباط با مهاجرین نیز غرفه‌ای برای فروش کارهای دستی مهاجرین داشت.

آن سال‌ها انتخابات محفل روحانی طهران دو درجه‌ای بود. ابتدا نوزده نفر با رأی‌هایی که در نوروز شمرده می‌شد انتخاب می‌گشتند، آنگاه در ایام رضوان آن ۱۹ نفر، ۹ نفر انتخاب می‌نمودند. در تالار غربی میزهای خواندن آراء قرار داشت و ده‌ها تن از احباء مشغول استخراج آراء بودند. ظهرها در تالار تآتر (طبقه زیرین) میزهای ناهار چیده می‌شد و همه کس می‌توانست آنجا ناهار صرف کند. مراسم

موفقیت یک پزشک بهائی

به قراری که اطلاع یافته‌ایم دکتر سینا فاضل (دانشیار دانشگاه آکسفورد) اخیراً موفق به دریافت جایزه بهترین تحقیقات علمی از سوی انجمن اروپایی روانکاوان در رشته آسیب‌شناسی بیماران روانی و روانکاوی اجتماعی شده است.

این جایزه به روانکاوان ساکن اروپا که زیر چهل سال بوده و در رشته خود مقالات علمی در زمینه‌های تازه نوشته‌اند اعطاء می‌شود.

دکتر فاضل دانشیار رشته آسیب‌شناسی بیماران روانی نویسنده اصلی رساله‌ای علمی با نام "موارد مؤثر در جنایات جنسی" در مجله روانکاوی بالینی است. اثر مزبور نخستین مقاله است که بر اساس پژوهش بر روی تعداد کثیری از بیماران روانی که مرتکب جنایات جنسی می‌شوند نشر شده است. این مقاله در جراید و تلویزیون‌ها مورد بحث قرار گرفت و خبرگزاری رویتر شرحی درباره آن منتشر نمود که می‌توان آن را در سایت زیر دید:

<http://www.reuters.com/article/healthNews/idUSCOL76032420070517>

این دوّمین بار است که دکتر سینا فاضل به دریافت جایزه معتبر و با اهمیتی علمی در رشته خود موفق می‌شود. نخستین بار در سال ۲۰۰۶ در مسابقه همگانی پزشکان انگلیس در تمام رشته‌های طب، دکتر فاضل یکی از سه پزشک روانکاوی بود که از شورای عالی آموزشی و علمی انگلستان جایزه دریافت نمود.

• آقای ا. شهیدیان طی فکسی نشانی تصحیح شده‌ی میل خود را که در زمینه نشر

مسرت بخش نوروز و یا اول رضوان به همین ترتیب ادامه می‌یافت، تا غروب آفتاب فرا می‌رسید و مردم به تدریج محل را ترک می‌گفتند. آقای نابیی دربان حظیره القدس با آخرین مهمان خداحافظی می‌کرد و درب آنجا را می‌بست. یاد آن روزگار بخیر.

• از خانم طاهره علائی (جذاب) کمال تشکر را داریم که منظومه‌ای از جناب نبیل زرنندی را خطاب به پدر عالیقدرشان جناب عزیزالله جذاب به مناسبت خدمات مختلف ایشان (از جمله ابلاغ امر الهی به لئوتولستوی معروف هستند)، برای ما فرستاده‌اند. بر طبق نوشته خانم علائی جناب جذاب دو بار موقع نزول وحی به اشاره جمال مبارک در حضور بوده و افتخار استماع بیانات مبارکه و مشاهده حالات و برافروختگی چهره ملکوتی آن حضرت را داشته است. شرحی درباره جناب عزیزالله جذاب در بخش نامه‌های خوانندگان شماره پیش آمده است.

• در جلسه‌ای که در ماه فوریه در حظیره القدس لندن با حضور جمعی از استادان دانشگاه و روزنامه‌نویسان برپا شد کتاب "دیانت بهائی در ایران به زبان انگلیسی (نگاه کنید به بخش معرفی کتاب شماره ماه فوریه این مجله) معرفی گردید و ویراستاران آن، آقایان دکتر سینا فاضل و دکتر دومینیک بروکشاو شرحی درباره محتوی و فصول مختلف آن کتاب بیان داشتند. این کتاب مورد توجه علاقمندان قرار گرفته و اکنون تمامی نسخ چاپ دوّم آن نیز به فروش رفته است. موفقیت بانیان نشر این کتاب را آرزو مندیم.

تحصیل فراهم است مخصوصاً تحصیل رشته پزشکی به زبان انگلیسی نیز ممکن است. علاقمندان به مهاجرت به صربستان برای کسب اطلاع بیشتر لطفاً با آقای دکتر فریس فرید یا خانم هما وفایی به نشانی های زیر مکاتبه فرمایند:

faris@pgv.at

homa.vafaie@gmx.at

• نشانی خرید کتاب: کسروی و بهائیگری او
برای استحضار علاقمندان نشانی خرید کتاب کسروی و بهائیگری او در زیر می آید. بهای این کتاب حدود ۵ یورو به اضافه هزینه پست است. اگر نسخ بیشتری سفارش داده شود هزینه پست ارزان تر خواهد شد:

انتشارات البرز آلمان ای-میل:

info@p-iran.de

و یا مؤسسه نشریات بهائی آلمان:

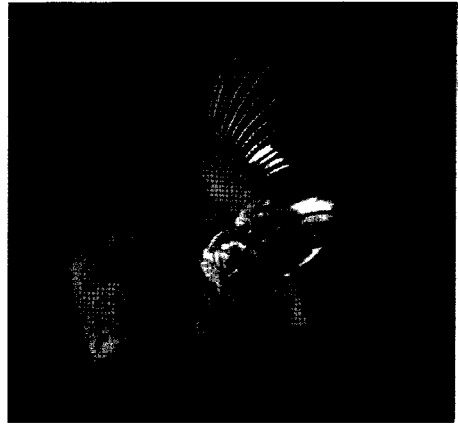
Baha'i Verlag Tel: +49 619222921

Fax: +49 6192 22963

e-mail: office@bahai-verlag.de

• آقای ح. نامدار از فرانکفورت مرقوم داشته اند:

«در شماره ۳۳۷ دسامبر ۲۰۰۷ آن جریده دو مقاله به نقل از دوروزنامه فارسی زبان در باره وقایع شاهرود درج شده و مندرجات آن را تاریخی نامیده اید. بنده خود در آن زمان در شاهرود حضور داشتم و این وقایع را به چشم دیده برای بیت عدل اعظم و آن مجله محترم فرستاده ام.»



کتابشان در این مجله آمده بود مرقوم داشته اند: aminsh9@yahoo.com که بدینوسیله تصحیح می شود.

• خانم شهین آزادگان که قبلاً آثار هنری ایشان در این مجله درج شده اخیراً نمایشگاهی از آثار نقاشی خود در شهر ادلید استرالیا ترتیب داده اند که مدت یک ماه از ۱۸ ژانویه تا ۱۷ فوریه سال جاری ادامه داشته و مورد استقبال علاقمندان واقع شده است. ایشان نمونه هایی از کارهای خود را نیز به لطف برای ما فرستاده اند که یکی از آنها در اینجا درج می شود.

• لطفاً در شماره فوریه ۲۰۰۸ مجله صفحه ۱۹ سطر سوم از پارگراف دوم "منصف و منکر" را به "منصف و متفکر" اصلاح فرمایید.

• لجنه تبلیغ صربستان Serbia از احباء با تجربه و فداکار دعوت کرده است که با مهاجرت به شهر بلگراد جامعه بهائی آنجا را یاری کنند تا به تدریج بنای محافل محلی و ملی گذارده شود. برای جوانانی که قصد تحصیلات عالی دارند نیز امکان مهاجرت و

در این دو مقاله چند مطلب اشتباه است به شرح زیر است:

۱- آقای نادری را در میدان شهر و با تبر و داس شهید نکردند بلکه در منزل مسکونی در حضور همسر و فرزندش در تنوری که در آن مخفی شده بود به شهادت رسیدند.

۲- کسی که در میدان به شهادت رسید آقای جذبانی سنگسری بودند که اشرار بطور جمعی به او حمله ور شده با سنگ و چوب به شهادت رساندند.

۳- در وقایع شاهرود چهار نفر به شهادت نرسیدند بلکه ۳ نفر به شهادت رسیدند: آقای جذبانی، آقای نادری، آقای انارکی پیرمرد.

۴- رئیس شهرداری وقت سرگرد فاطمی و رئیس ژاندارمری ستوان جاوید هر دو نفر توسط وجه نقد تطمیع شده بودند. اطلاع کامل دارم که رئیس ژاندارمری ۳۰۰۰ تومان دریافت نموده بود ولی مبلغ صحیح دریافتی رئیس شهرداری را اطلاع ندارم.

رئیس شهرداری و رئیس ژاندارمری شاهرود از اقداماتی که در مسجد طرح ریزی می شد اطلاع کامل داشتند و هیچگونه اقدامی جهت جلوگیری از بروز این وقایع نکردند. آنچه به عرض رسید شخصاً حضور داشته و ملاحظه شده است.

پیام بهائی: مطلبی که در آن دو مقاله مورد نظر ما بود و آن را برآوردی تاریخی خواندیم ناظر بر پیش بینی های خشونت دینی در ایران در آینده بود که به تحقق پیوست. در مورد وقایع شاهرود قبلاً بر اساس مشاهدات آقای نادری مطالبی در مجله آمده است. ■

پیام بهائی

نشریه ماهانه محفل روحانی ملی
فرانسه برای بهائیان

سال سی ام، شماره چهارم
شماره پیاپی ۳۴۱

شهر البهآء، شهر الجلال، شهر الجمال ۱۶۵
فروردین - اردیبهشت ۱۳۸۷

نشانی هیأت تحریریه برای ارسال
مقالات، نامه ها و پیشنهادات
P.O. Box 511
1211 Genève 12, Switzerland

نشانی برای ارسال حق اشتراک، نامه های
مربوط به اشتراک و تغییر نشانی

Payám-i-Bahá'í

B. P. 9

06240 Beausoleil, France

Fax: 33-493-784418

حق اشتراک سالانه برای کشورهای اروپایی ۵۰
یورو، و برای خارج از اروپا ۵۵ یورو است و یا معادل
آن به سایر ارزها.

چگونگی ارسال مبلغ اشتراک:

۱- توسط نمایندگان ما ۲- با حواله پستی ۳- چک
بانکی به یورو به حساب یک بانک فرانسوی در
وجه پیام بهائی ۴- مشترکین امریکا یا ارسال چک
دلاری به دفتر امور ایرانیان در شیکاگو ۵- با کارت
اعتباری Visa به یورو ۶- مستقیماً توسط بانک
خودتان به شماره حساب زیر با ارسال رسید و نام
خود به نشانی ما:

Payám-i-Bahá'í

IBAN FR76 30003 01500-00037261910-30

Bank Société Générale

8 Ave. J. Medicin

06000 Nice, France

Adresse Swift: SOGEFRPP

کلیه اشتراک ها در اول هر سال میلادی

تجدید می گردد.

Payám-i-Bahá'í

Publié par l'Assemblée spirituelle
Nationale des Bahá'ís de France

تاریخ دیانت بهائی در خراسان

به قلم حسن فوادى بشروئى

از مهم‌ترین کتب مستند تاریخی که در سال‌های اخیر نشر شده



مردم خطه وسیع خراسان نقش بزرگی در ترویج و رشد دیانت بائی و بهائی داشته‌اند. این کتاب که با استفاده از مدارک محافل بهائی شهرهای خراسان و مصاحبه با قدمای این نگاهشته شده قریب نود سال تاریخ جوامع بهائی را در آن شرح می‌گیرد. مطالب کتاب نه تنها برای محققان و پژوهشگران بهائی بیرون از کشور بلکه برای هم‌دینان و علاقه‌مندان به این دین در داخل کشور نیز راه اعتقاد خود را گشود و به اعتقاد رسیدند. جلد اول

رنگون، چهل و پنجمین شماره، پانزدهم، ۲۵ پانزدهم، ۲۰
 س‌های بهائی و بهائی